

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۱۰۵۵

شنبه ۲۵ آذر ۱۴۰۲، ۱۶ دسامبر ۲۰۲۳

جایزه‌های دیگر به انقلاب زن، زندگی، آزادی

کازم نیک‌خواه

هفته گذشته به فاصله دو روز دو جایزه مهم بین‌المللی به انقلاب زن زندگی اهدا شد. یکی جایزه صلح نوبل بود که روز ۱۰ دسامبر (۱۹ آذر) به نرگس محمدی و جنبش زن زندگی آزادی اهدا شد. او خود اجازه نیافت که در مراسم شرکت کند و جایزه را دریافت کند و دو فرزندش کیانا و علی به نمایندگی از او شرکت کردند و پیام او را خواندند و جایزه را دریافت کردند.

جایزه ساخاروف، جایزه پارلمان اروپا در قردرانی از مدافعان آزادی‌های پایه‌ای و حقوق بشر، ظهر سه‌شنبه ۱۲ دسامبر (۲۱ آذر) طی مراسمی در مقر پارلمان در استراسبورگ فرانسه به نمایندگی از مهسا امینی و جنبش زن، زندگی، آزادی به افسون نجفی، خواهر حدیث نجفی و مرسده شاهین کار، از قربانیان اعتراضات ۱۴۰۱ اهدا شد.

پارلمان اروپا از قبل از خانواده مهسا امینی برای حضور در مراسم اهدای این جایزه دعوت کرده بود. اما جمهوری اسلامی از سفر امجد امینی (پدر)، مزگان افتخاری (مادر) و اشکان امینی (برادر مهسا امینی) به فرانسه ممانعت به عمل آوردند.

باین‌وجود، مراسم روز سه‌شنبه برگزار شد و پیام مادر ژینا توسط صالح نیک‌بخت وکیل خانواده مهسا امینی قرائت شد و مورد استقبال گرم حاضرین قرار گرفت. علاوه بر صالح نیک‌بخت، افسون نجفی، خواهر حدیث نجفی، نوجوان ۲۲ ساله‌ای که در جریان اعتراضات علیه قتل مهسا امینی، در پی اصابت گلوله‌های ساچمه‌ای جان باخت، و همچنین مرسده شاهین کار خواهر افسون شاهین کار یکی دیگر از جان‌باختگان انقلاب در مراسم شرکت داشتند و از جانب خانواده مهسا جایزه را دریافت کردند.

رئیس پارلمان اروپا روبرتا متسولا در افتتاحیه مراسم اهدای جوایز گفت: "جایزه ساخاروف امسال برای آزادی اندیشه که به ژینا مهسا امینی و جنبش زن، زندگی، آزادی اعطا شده است، به‌عنوان ادای احترام به همه زنان، مردان و جوانان شجاع و سرکشی. در ایران است که علی‌رغم اینکه تحت فشار فزاینده‌ای قرار دارند، به مبارزه برای حقوق خود و فشار برای تغییر ادامه می‌دهند. پارلمان اروپا صدای شما را می‌شنود و از شما حمایت می‌کند. شما تنها نیستید."

از اهمیت اهدای این دو جایزه به انقلاب زن زندگی آزادی، همین بس که طی روزهای اخیر یعنی پس از اهدای جایزه‌ها، گفتمان و بحث در مورد انقلاب زن زندگی آزادی بار دیگر در سطح دنیا در رسانه‌ها و میدای اجتماعی به راس خبرها آمد و توجه‌ها را وسیعاً به اوضاع ایران و تلاش و مبارزه مردم برای خلاصی از شری جمهوری اسلامی جلب کرد.

ادامه در صفحه ۶



انقلاب و جنبش سرنگونی

تدوین شده بر مبنای مصاحبه با حمید تقوایی

صفحه ۳

فراخوان بازنشستگان

به تجمع بزرگ در تهران

شهلا دانشفر

صفحه ۶

جایزه نوبل به نرگس محمدی

حرکتی در تقویت انقلاب زن زندگی آزادی

حمید تقوایی

صفحه ۷

رقص "صادقانه"، فرهنگ "متجدد"

و حاکمیت مرتجع

میلاد رباعی

صفحه ۸

از "سامانه فارز" تا آنتی‌ویروس حکومتی

محمد شکوهی

صفحه ۹

جنبشی که بر دهان خامنه‌ای می‌کوبد!

مهران محبی

صفحه ۱۰

اطلاعیه‌های هفته اخیر

صفحه ۱۱



انقلاب و جنبش سرنگونی تدوین شده بر مبنای مصاحبه با حمید تقوایی در کانال جدید

به هیچ وجه از شکست و عقب نشینی مردم نمی توان صحبت کرد. ببینید یک جامعه به پا خاسته و شکست خورده سرخورده می شود، مرعوب و افسرده و نومید می شود، یک نوع خفقان گورستانی بر آن حاکم می شود و در سوی دیگر رژیم می که انقلاب را شکست داده از موضع قدرت تعرض تازه ای را به همه بخش های جامعه شروع می کند. شرایط امروز ایران کاملاً برعکس است. رژیم در ضعیف ترین و متزلزل ترین و به هم ریخته ترین شرایط به سر می برد و جامعه نه تنها مرعوب نشده؛ بلکه تعرضی تر و امیدوارتر در عرصه های مختلف حکومت را به چالش می کشد. جنبش بی حجابی هر روز گسترده تر و تعرضی تر می شود، مراسم های یادبود جان باختگان علی رغم تهدیدات و بگیر و ببند های حکومت همچنان برگزار می شود، و مردم در مدیای اجتماعی حکومت و مقدساتش را سکه یک پول کرده اند.

در همین هفته ما مراسم های اهدای جوایز بین المللی به چهره ها و فعالین سیاسی در زندان و بیرون زندان را شاهد بودیم. خانواده مهسا و نرگس محمدی جایزه صلح و آزادی بیان می گیرند و با پیام های پر شور به استقبال این مراسم ها می روند و این پیام ها در مدیا و رسانه ها جهانی وسیعاً منعکس می شود. در این مراسم ها به احترام انقلاب زن زندگی آزادی و به احترام زنان ایران و زندانیان سیاسی به پا می خیزند و کلاه از سر برمی دارند. این ترتیب می بینم که فضا و گفتمان جهانی نیز در حمایت از انقلاب ایران زنده است.

بنابراین باید گفت که گرچه انقلاب به معنی تظاهرات و تجمعات خیابانی نسبت به سال گذشته فروکش کرده؛ ولی جنبش عظیمی علیه جمهوری اسلامی در حال پیشروی است. این واقعیت هم در ایران در عرصه های مختلف قابل مشاهده است و هم انعکاس و بازتاب جهانی اش را مشاهده می کنیم.

از طرف دیگر می بینید حکومت کاملاً ضعیف شده و موقعیتی متزلزل و تدافعی پیدا کرده است. تصمیم گیری های امروز حکومت از ترس و نگرانی سرنگونی فرداست. رژیم به نظر خودش دارد از برآمد و از انفجار مجدد جامعه جلوگیری می کند. در واقع نه حکومت در حالت متعارف و نرمالی - حتی با معیارهای خود جمهوری اسلامی - به سر می برد و نه جامعه از تعرض و مبارزه برای سرنگونی عقب نشسته است. شرایط حتی دیگر حتی شبیه ۱۴۰۰ و ۱۳۹۹ نیست. یک رژیم رسوا و به مخمصه افتاده در برابر یک جامعه تعرضی که حتی از

حسن صالحی: در برنامه این هفته پاسخ می خواهیم یکبار دیگر مروری داشته باشیم بر انقلاب زن زندگی آزادی. اعتراضاتی که از شهریورماه سال گذشته شروع شد و خود مردم بهش گفتند انقلاب. آیا اکنون که این اعتراضات نسبت به پارسال در خیابان ها کاهش پیدا کرده، می توانیم از ادامه انقلاب حرف بزنیم؟ آیا جمهوری اسلامی موفق شده است این اعتراضات را سرکوب کند و یا به عقب براند؟ موقعیت امروز چه هست و چطور می توانیم به جلو برویم؟ اینها موضوعاتی هستند که در برنامه این هفته پاسخ به آن خواهیم پرداخت.

حمید تقوایی روشن است که تظاهرات تجمعات اعتراضی در داخل و خارج کشور نسبت به سال گذشته فروکش کرده است. آیا می توان گفت که رژیم توانسته انقلاب را شکست بدهد یا لاقلاً متوقف بکند؟

حمید تقوایی: به هیچ وجه. به نظر من رژیم نه توانسته انقلاب را شکست بدهد و نه حتی آن را به عقب براند. اینکه تظاهرات ها و تجمعات خیابانی به نسبت سال گذشته کمتر شده یک واقعیت است؛ ولی اعتراضات در سطح گسترده ای ادامه دارد. در خیابان ها کارگران و بازنشستگان تجمعات منظم برپا می کنند. شبیه های اعتراضی و یکشنبه های اعتراضی و دوشنبه های اعتراضی اعلام کرده اند و فقط هم نه در همین روزها بلکه در تمام روزهای هفته شاهد اعتراضات کارگران مراکز مختلف و بخش های بازنشستگان در شهرهای مختلف هستیم. برای اولین بار کارگران شاغل و بازنشسته دوشادوش هم به خیابان می آیند. گرچه بخش اعظم خواسته هایشان مربوط به شرایط معیشتی و اقتصادی خود کارگران است؛ ولی اولاً مبارزه آنها در همین سطح هم از مطالبات صنفی فراتر می رود و مسئله معیشت و منزلت و فساد حکومتی را مطرح می کند که مسئله کل جامعه است. یک شعار مهم بازنشستگان "اتحاد اتحاد علیه فقر و فساد" است که همه جامعه را به مبارزه برای معیشت و منزلت فرامی خواند.

ثانیاً کارگران شعارهایی مطرح می کنند که فراتر از خواست های اقتصادی است. علیه رئیسی و دولت و مجلس شعار می دهند، خواستار قطع دست پیمانکاران هستند که یک رکن سیاست ریاضت کشی. اقتصادی رژیم است و همه بخش های تولیدی و خدماتی را در بر می گیرد، علیه فساد و حقوقهای نجومی شعار می دهند، و غیره. اینها شعارهای عمومی انقلاب جاری هم هست.

بنابراین، حتی اگر تنها همین فاکتور مبارزات کارگری را در نظر بگیرد

انقلاب و جنبش سرنگونی

از صفحه ۲

خیزش ۹۶ و ۹۸ بسیار فراتر رفته، برای بقا دست‌وپا می‌زند. اینها همه نشان می‌دهد که نه تنها حکومت موفق به سرکوب نشده؛ بلکه در موقعیت بسیار متزلزل و ناپایداری قرار دارد.

حسن صالحی: شما اشاره کردید که جنبش‌های اعتراضی ادامه داشته است. جنبش‌های اعتراضی که همیشه و بخصوص در یک دهه و دودهم گذشته ادامه داشته است. آیا از اینها می‌شود به‌عنوان ادامه انقلاب یاد کرد؟

حمید تقوایی: ادامه انقلاب تعبیر دقیقی نیست. باید گفت این جنبش‌ها که مدت‌هاست جریان دارند در اثر انقلاب زن زندگی آزادی بسیار تعرضی‌تر، فراگیرتر، رادیکال‌تر و سیاسی‌تر شده‌اند. مثلاً جنبش معلمان همیشه فعال بوده، اعتراضات بازنشستگان مدت‌ها جریان داشته، جنبش کارگری که قدمتش به اندازه عمر جمهوری اسلامی است، نقطه اوج‌های چشمگیری داشته مثل مبارزات هفت‌تپه، فولاد اهواز در دهه نود شمسی، نساجی‌های سنندج در سال‌های ۱۳۸۱-۸۲ و حتی قبل از آن اعتصابات کارگران نفت در ۳ دهه قبل. اینها همه نشان‌دهنده سابقه و جایگاه جنبش کارگری است. ولی امروز می‌بینیم که جنبش کارگری، به‌ویژه مبارزات کارگران نفت که تعرضی‌ترین و پیشروترین بخش جنبش کارگری است، مهر انقلاب زن زندگی آزادی را بر خودش دارد. در اثر انقلاب است که این تحرک را در میان جنبش کارگری، کارگران شاغل و بازنشسته دوشادوش یکدیگر، می‌بینیم و این جنبش به نوبه خودش تأثیرات بسیار تعیین‌کننده و مثبتی بر جنبش عمومی مردم علیه جمهوری اسلامی می‌گذارد. جنبش‌های دیگر مثل جنبش دانشجویی و جنبش دادخواهی نیز با برآمد انقلاب فعال‌تر شده و به نوبه خود در پیشروی جنبش سرنگونی طلبانه مردم سهم مهمی ایفا کرده‌اند.

انقلاب معنی‌اش روشن است، جنبش مشخصی است که سرنگونی حکومت و زیرووردن نظام را هدف گرفته است؛ ولی جنبش‌های اعتراضی خواست‌ها و مطالبات معینی دارند. در این میان جنبش کارگری جایگاه ویژه‌ای دارد. جنبش کارگری خواست‌هایی را مطرح می‌کند نظیر افزایش دستمزدها و مسئله بیمه‌های اجتماعی، بی‌تامینی شغلی، قراردادهای موقت و سفید امضا و کلاً مسائلی برای رفاه عمومی خود و کل جامعه. از این خواست‌ها و اهداف جنبش کارگری با جنبش انقلابی متفاوت است؛ ولی خصوصیت جنبش کارگری این است که با به میدان آمدن خود جنبش انقلابی را به مراتب تعمیق و تقویت می‌کند.

در شرایط حاضر کارگران شاغل و بازنشسته با بلندکردن پرچم معیشت منزلت و با شعار اتحاد اتحاد علیه فقر و فساد در واقع نقد و اعتراض کل جامعه به حکومت و سیستم موجود را عمیق‌تر و ریشه‌ای‌تر می‌کنند و نه فقط حکومت جمهوری اسلامی بلکه نظامی که جمهوری اسلامی پاسدار آن است را به چالش می‌کشند. وقتی کارگران نفت اعلام می‌کنند دست پیمانکاران قطع، زمانی که نیشکر هفت‌تپه اعلام کرد اداره شورایی، و کارگران شاغل و بازنشسته همین امروز جامعه را به اتحاد علیه فقر و فساد فراموش خوانند، علیه مدیران و علیه دولت و مجلس شعار می‌دهند، به تاراج کردن صندوق‌های بیمه و بازنشستگی اعتراض می‌کنند، خواستار بهداشت رایگان هستند، خواستار آموزش و پرورش رایگان هستند، اینها همه در واقع مضمون رادیکال و عمیق ویژه‌ای به کل جنبش انقلابی برای سرنگونی حکومت می‌بخشد و آن را قدرتمندتر می‌کند. این در واقع نقش تعیین‌کننده طبقه کارگر و قدرت کارگران را به ما نشان می‌دهد. به این معنا هم می‌خواهم بگویم جنبش کارگری گرچه به طور مکانیکی و خطی ادامه انقلاب نیست؛ ولی نقش مؤثری در تعمیق انقلاب در گسترش انقلاب و

ریشه‌ای شدن نحوه اعتراض مردم به کل سیستم موجود دارد و این نقش را فعلاً در حال حاضر اعتراضات کارگران نفت ایفا می‌کند.

حسن صالحی: مسئله محوری هر انقلاب قدرت سیاسی و تعیین تکلیف قدرت حاکم در جامعه است و حالا مردم ایران می‌خواهند که از شر این حکومت خلاص بشوند. در ادبیات حزب کمونیست کارگری ایران علاوه بر انقلاب از جنبش سرنگونی هم اسم برده می‌شود. می‌خواستم بدانم از نظر شما چه رابطه‌ای بین انقلاب و جنبش سرنگونی وجود دارد؟

حمید تقوایی: جنبش سرنگونی جنبش ویژه‌ای است که در عین اینکه کل حکومت را زیر سؤال می‌برد و مثل هر جنبش دیگری اکتیویست‌های خودش و شعارها و شیوه‌های مبارزاتی خودش را دارد، لزوماً و خودبه‌خود همیشه در حالت انقلابی نیست. انقلاب وقتی است که جنبش سرنگونی اوج می‌گیرد و به خیابان می‌آید. می‌توان گفت که انقلاب عروج جنبش سرنگونی است.

مقوله جنبش سرنگونی به‌ویژه بسیار کمک می‌کند به تبیین و درک ما از شرایط مشخص ایران. ما در چند سال اخیر، از ۸۸ تا امروز، مشخصاً چهار خیزش انقلابی داشته‌ایم: در ۸۸ و ۹۶ و ۹۸ و ۱۴۰۱. روشن است که نمی‌توان گفت از ۸۸ و حتی از ۹۸ تا امروز انقلاب ادامه دارد. این طور نیست. ولی در عین حال جامعه هم در حالت متعارف و آرامی نبوده است. تبیین دقیق و درست این است که بگویم در این مدت جنبش سرنگونی بسیار فعال بوده و پیشروی زیادی داشته است. حتی زمانی که در خیابان‌ها نبوده است برای به زیر کشیدن حکومت تلاش می‌کرده و دست‌اندرکار اشاعه‌گفتمان سرنگونی و جمع‌آوری نیرو بوده است. مثلاً در انتخابات‌ها اعلام می‌کرده رأی ما سرنگونی است و یا شعار و بنر نه به جمهوری اسلامی را برمی‌افراشته، تقاضای استعفای خامنه‌ای را مطرح می‌کرده، در مدیای اجتماعی علیه کلبت حکومت فعال بوده و حرکت‌هایی از این قبیل. این نوع اعتراضات هنوز انقلاب نیست؛ ولی با جنبش‌های عرصه‌ای هم متفاوت است. می‌توان گفت جنبش ویژه‌ای با خواست سرنگونی حکومت است.

البته باید توجه داشت که در شرایط مشخص ایران خیلی از جنبش‌های عرصه‌ای مثل جنبش کارگری، جنبش زنان، جوانان، جنبش دادخواهی و غیره در نهایت سرنگونی حکومت را مدنظر دارند چون می‌دانند تحقق خواست‌هایشان نهایتاً در گرو سرنگونی جمهوری اسلامی است. مثلاً جنبش دادخواهی می‌داند که با وجود جمهوری اسلامی ممکن نیست قاتلین عزیزان آنها به محاکمه کشیده بشوند. جنبش مادران آبان و مادران خاوران و جنبش خانواده‌های قربانیان شلیک به هواپیما همه اینها خواهان محاکمه سران حکومت هستند و بنابراین خواه‌ناخواه طرح این خواست؛ یعنی سرنگونی حکومت. جنبش کارگری خواهان آن است که دستمزدها حداقل پنج برابر بشود. همه می‌دانند که تا جمهوری اسلامی هست این اتفاق نمی‌افتد. همچنین خواست برابری زن و مرد و رفع تبعیضات ملی و خواست آزادی بیان و تحزب و غیره نیز با وجود جمهوری اسلامی عملی‌شدنی نیست. باین‌همه فعالین این جنبش‌ها بر خواست‌های خود پافشاری می‌کنند برای آنکه این نوع اعمال فشار است، جبهه‌ای است علیه حکومت و به این ترتیب به طور غیرمستقیم در جهت سرنگونی حکومت و در خدمت تقویت جنبش سرنگونی مبارزه می‌کنند.

جنبش سرنگونی جنبشی فعال و ادامه‌دار است، می‌شود گفت از همان سال‌های اول جمهوری اسلامی سر بلند کرده و خصیصه‌اش این است که علیه کل جمهوری اسلامی مبارزه می‌کند و شیوه‌های مبارزه ویژه‌ای دارد مثل دیوارنویسی، انتشار اطلاعیه‌ها و طومارها و بیانیه‌ها و هشتک‌های ضد حکومتی، اعتصابات و تجمعات و اعتراضات خیابانی که جابه‌جا به‌ویژه در ده دوازده سال اخیر، از ۸۸ تا امروز، شاهد بوده‌ایم.

انقلاب زمانی رخ می‌دهد که این جنبش اوج می‌گیرد و گسترش می‌یابد و صریحاً با شعار

انقلاب و جنبش سرنگونی

از صفحه ۳

را تعمیق و تقویت کند، سعی می‌کند تبدیلیش کند به حرکتی هر چه سازمان‌یافته‌تر و ریشه‌ای‌تر برای اینکه جمهوری اسلامی را به زیر بکشد، برای آنکه پیروز بشود.

جنبش ۸۸ به بهانه انتخابات شروع شد؛ ولی به سرعت جنبش رادیکالیزه شد، مردم شعار دادند "موسوی بهانه است کل نظام نشانه است" - که حزب ما در توده گیر شدن این شعار نقش داشت - و در روز عاشورای همان سال یک قیام توده‌ای و حمله به کلانتری‌ها و پایگاه‌های حکومت با شعار مرگ بر خامنه‌ای شکل گرفت. آن جنبش فرو کوبیده شد و امروز کسی به آن حرکت به‌عنوان انقلاب رجوع نمی‌کند. می‌گوییم جنبش سرنگونی طلبانه‌ای آغاز شد و فرونشست. ولی ما، و هر نیروی فعال دیگری در دل آن حرکت، نمی‌توانست و نباید مثل یک تحلیلگر سیر تاریخ به آن نگاه می‌کرد و به‌خاطر احتمال به نتیجه نرسیدن خصوصیات و پتانسیل انقلابی و زیروروکننده آن را نمی‌دید و مورد تأکید قرار نمی‌داد. هیچ اکتیویستی این‌طور برخورد نمی‌کند. فعال و کنشگر در یک جنبش، چه یک مبارزه عرصه‌ای باشد و چه یک جنگ و چه انقلاب، برای پیروزی می‌جنگد. فعال انقلاب نمی‌تواند منتظر نتیجه باشد - این را باید به تحلیلگران واقعه بعد از وقوع سپرد - بلکه باید در دل مبارزه افق پیروزی را در برابر جامعه قرار بدهد و آن را انقلابی برای زیرورو کردن وضع موجود بداند و به همه معرفی کند. همانطور که در انقلاب جاری مردم شعار دادند "بهش نگید اعتراض اسمش شده انقلاب" و به این ترتیب عزم خود را برای به زیر کشیدن حکومت اعلام داشتند. جنبش پیروزمند علیه یک حکومت توسط همه انقلاب نامیده می‌شود؛ ولی فعال دیگر در جنبش علیه حکومت از ابتدا آن را انقلاب می‌نامد تا بتواند پیروزش کند.

برخی به ما خرده می‌گیرند که در برخورد به اعتراضات زیاد تهییج می‌شویم و یا غلو می‌کنیم. ولی ما دقیق عمل کرده‌ایم. ما به جنبش‌های توده‌ای که علیه جمهوری اسلامی به خیابان‌ها آمده انقلاب اطلاق کرده‌ایم و امروز خود مردم می‌گویند بهش بگید انقلاب. ما همچنین به جنبش سرنگونی که بستر خیزش‌های انقلابی علیه رژیم را تشکیل می‌دهد نام و هویت داده‌ایم.

یادآوری می‌کنم که اصطلاح جنبش سرنگونی را اولین بار منصور حکمت در برخورد به خیزش ۱۸ تیر ۷۸ به کار برد در نوشته‌ای با عنوان "جنبش توده‌ای برای سرنگونی حکومت آغاز می‌شود". به آن حرکت انقلاب اطلاق نکردیم؛ چون محدود بود و تا حد زیادی اصلاح‌طلبان در آن دست داشتند. اما حرکتی سرنگونی طلبانه بود و ما هم از همین اصطلاح استفاده کردیم. جنبش سرنگونی مقوله و مفهوم دقیق و به‌جایی بود و ما حضورش را در چند ده‌ساله اخیر جابه‌جا دیده‌ایم. فقط هم به این ۴ تاریخی که اشاره کردید محدود نمی‌شود. در دوره رفسنجانی، بعد از ختم جنگ ایران و عراق شورش‌های شهری متعددی داشتیم که همه از بروزات جنبش سرنگونی بودند.

تا آنجا که به انقلاب زن زندگی آزادی مربوط می‌شود این جنبش را خود مردم انقلاب نامیده‌اند و این به نظرم نشانه تشخیص درست توده مردم و عزم جزم آنها برای به زیر کشیدن حکومت است. این انقلاب بر بستر جنبش سرنگونی سر بلند کرده است و امروز در قالب این جنبش گسترده سرنگونی طلبانه تعرض گسترده مردم علیه حکومت ادامه دارد. ما امیدواریم و تلاش می‌کنیم انقلاب دوباره به خیابان بیاید. خیلی از مردم همین تلاش را می‌کنند، کسی ناامید نشده و همه می‌گویند برمی‌گردیم، آبان ادامه دارد و ایستاده‌ایم تا پایان. در پیام‌هایی که برای مراسم جایزه نوبل و پارلمان اروپا فرستادند همین مضمون دوباره تکرار شد. مردم دنیا به احترام انقلاب زندگی آزاد بپا خاستند و کلاه از سر برداشتند می‌خواهم بگویم ما و مردم همچنان پرچم انقلاب را برافراشته نگه داشته‌ایم. اینکه این تحولات

ادامه در صفحه ۵

سرنگونی به خیابان‌ها می‌آید. آن‌طور که در انقلاب جاری شاهد هستیم. جنبش سرنگونی شیوه‌های اعتراضی مختلفی را در بر می‌گیرد که به برخی اشاره کردم؛ ولی برای اینکه به انقلاب ارتقا یابد لازم است با اعتراضات و تظاهرات و تجمعات و اعتصابات با پرچم نه به کل حکومت همراه بشود. انقلاب فقط در خیابان‌ها و اعتصابات و تجمعات و اعتراضات خیابانی خلاصه نمی‌شود؛ ولی اینها شرط لازم است. مثلاً امروز تحرک‌های خیابانی در ابعاد سال گذشته، چه در داخل کشور و چه در خارج، ادامه ندارد؛ ولی جنبش سرنگونی قوی‌تر از همیشه ادامه دارد. گرچه انقلاب از نظر میدانی فروکش کرده؛ ولی جنبش سرنگونی بسیار قوی‌تر، قدرتمندتر و تعرضی‌تر از ۴ سال قبل، از قبل از ۱۴۰۱ سر بلند کرده است و این را شما در گفتمان‌ها در فضای سیاسی ایران در شبکه مدیای اجتماعی، در فرهنگ اعتراضی قوی‌ای که می‌شود گفت جهانی شده و حتی در رسانه‌ها و مدیای اجتماعی کشورهای غربی دارید می‌بینید.

در همه این ابعاد اعتراضات گسترده‌ای برای خلاصی از شر جمهوری اسلامی در جریان است. جمهوری اسلامی زیر فشار زیادی است چرا که نه تنها در ایران بلکه در سطح جهانی حمایت از انقلاب زن زندگی آزادی گسترده است. امروز هم‌زمان با گسترش جنبش معیشت و منزلت در ایران و مراسم‌های یادبود جان‌باختگان و به سخره گرفتن ادعاها و تبلیغات حکومت در رابطه با جنگ غزه، در پارلمان اروپا و در مراسم جایزه صلح نوبل پرچم زن زندگی آزادی برافراشته می‌شود و در اسلو مردم با مشعل‌های فروزان و با بنر زن زندگی آزادی به خیابان‌ها می‌آیند. با شروع جنگ غزه رژیم خیلی تلاش کرد که در ایران و در سطح جهانی جنبش انقلابی زن زندگی آزادی را تحت الشعاع این جنگ قرار بدهد، آن را به عقب براند و به اسرائیل ستیزی و طرف‌داری از "فهرمانان حماس" و غیره دامن بزند؛ اما جامعه محکم در مقابلش ایستاد و تعرضی و کوبنده جوابش را داد.

این‌ها همه یعنی اینکه جنبش سرنگونی زنده است، قوی است و در موقعیت پیشرفته‌تری نسبت به سال‌های قبل قرار دارد. این امر برای کسانی مثل ما که دست‌اندرکار انقلاب هستیم این امید را ایجاد می‌کند و این زمینه را فراهم می‌کند که اوج‌گیری مجدد انقلاب زن زندگی آزادی را تدارک ببینیم به‌نحوی که این بار گسترده‌تر و رادیکال‌تر به خیابان‌ها بیاید و همراه شود با اعتصابات. این در چشم‌انداز قرار می‌گیرد و به این معنا تفکیک بین انقلاب بالفعل و جنبش سرنگونی به ما کمک می‌کند که این شرایط را دقیق توضیح دهیم و وظایف خود را تعیین کنیم و در دستور بگذاریم.

حسن صالحی: حمید تقوایی شما می‌گویید که جنبش سرنگونی وقتی که به خیابان می‌آید اسمش می‌شود انقلاب و در صحبت‌های خودتان هم به چهار دوره یعنی سال ۸۸ و سال‌های ۹۶، ۹۸ و ۱۴۰۱ اشاره کردید. یعنی می‌خواهید بگویید که در ده‌پانزده سال گذشته چهار انقلاب در ایران اتفاق افتاده؟

حمید تقوایی: ببینید بررسی و نام‌گذاری تحولات را باید در دو مقطع و از دو زاویه در نظر بگیرید. یکی از دید دست‌اندرکاران آن تحولات وقتی هنوز به سرانجام نرسیده‌اند، و یکی وقتی تحولی به سرانجام می‌رسد از دید تاریخ‌نویس و از دید تحلیلگران واقعه بعد از وقوع. فعالین و تاریخ‌نویسان دو جور به انقلاب رجوع می‌کنند و باید هم این‌طور باشد.

حزبی که مثل حزب ما دست‌اندرکار انقلاب است، وقتی شرایط انقلابی ایجاد شود، وقتی توده مردم علیه حکومت به خیابان می‌ریزند، آن تحول را انقلاب می‌نامد و پرچمش را به اسم انقلاب بلند می‌کند و سعی می‌کند آن

انقلاب و جنبش سرنگونی

از صفحه ۴

بازنشستگان حمایت کنند. این حرکت فی الحال شروع شده و باید بکوشیم گسترش بیابد.

جنبه دوم جلب حمایت فعالین و نهادهای سایر جنبش‌ها، جنبش دانشجویی، جوانان، جنبش دادخواهی، جنبش بی‌حجابی و جنبش‌های اعتراضی دیگری که در جامعه جاری است از مبارزات جاری کارگران است. باید توجه همه به این مبارزات جلب شود، با آن اعلام همبستگی کنند و از این جنبش فعالانه پشتیبانی کند.

این حرکت در جهتی است که بتوانیم صفوف انقلاب را با خواست‌های اساسی و پایه‌ای نظیر معیشت و منزلت، نظیر مقابله با فقر و فساد و گرانی، تأمین رفاه عمومی، و اهداف و خواست‌هایی از این قبیل تقویت کنیم و به جلو سوق بدهیم. این‌ها یک بعد مهم انقلاب زن زندگی آزادی است که می‌شود گفت با کلمه "زندگی" نمایندگی می‌شود. امروز طبقه کارگر و مشخصاً کارگران نفت پرچم منزلت معیشت را از قول همه جامعه بلند کرده‌اند و شعار می‌دهند "اتحاد اتحاد علیه فقر و فساد". این نتهتفا فقر و فساد و فلاکت بلکه دره عمیق بین فقر و ثروت، بین فلاکت عمومی و حقوق‌های نجومی را هدف قرار می‌دهد. امروز رژیم، مانند هر سال، ادعا می‌کند که بلابردن دستمزدها باعث تورم می‌شود و پاسخ مردم این است که جلوی حقوق‌های نجومی را بگیرد؛ بساط اختلاس‌های چندمیلیارددلاری نظیر افتتاح‌های دیش را جمع کنید. اینها تولیدکننده و تشدیدکننده تورم‌اند و نه حقوق‌های زیر خط فقر کارگران و بازنشستگان و کارمندان جزء.

اینها موضوعات و مسائل مهمی است که حزب ما سعی می‌کند برجسته کند و به این ترتیب جنبش کارگران نفت را در دل انقلاب زن زندگی آزادی تبدیل کند به موتور محرکه کل جامعه با پرچم مبارزه علیه فقر فساد و برای معیشت و منزلت.

عرصه دوم این است که ما سعی می‌کنیم در سطح جهانی طرد و انزوی جمهوری اسلامی را بیش از گذشته و فعال‌تر از همیشه مطرح کنیم. این را قبلاً هم صحبت کردیم که بخصوص جنگ غزه و نقش جمهوری اسلامی در این جنگ به ما اجازه می‌دهد تحریم و طرد جمهوری اسلامی را دوباره روی میز دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی قرار بدهیم و از آنان بخواهیم که همانطور که حماس را به‌عنوان یک نیروی تروریست شناخته‌اند پدرخوانده حماس را هم به‌عنوان یک حکومت تروریست طرد کنند.

و بالاخره تلاش ما این است که توجه و نظر فعالین جنبش انقلابی را به سیاست‌ها و راهکارهای حزب جلب کنیم و آنها را فراخوانیم که به حزب ما بپیوندند. این را باز تأکید می‌کنم که انقلاب بر سر پیچ تأمین رهبری قرار گرفته و ما باید به این ضرورت با فعال شدن، برجسته کردن و نشان دادن نقش حزب در تحولات جاری پاسخ بدهیم. فراخوان من به همه فعالین انقلابی، به همه کسانی که واقعاً می‌خواهند انقلاب زن زندگی آزادی به پیروز برسد و رفاه آزادی و برابری در جامعه متحقق شود این است که به حزب کمونیست کارگری بپیوندید.

۲۳ آذر ۱۴۰۲، ۱۴ دسامبر ۲۰۲۳

به کجایمی انجامد تماماً به مبارزات امروز مردم و نیروهای فعال در انقلاب بستگی دارد. ارزیابی و نام‌گذاری این تحول را باید به تاریخ‌نویسان سپرد. ما به‌عنوان دست‌اندرکاران تمام تلاشمان را باید بکنیم که این جنبش به پیروزی برسد.

حسن صالحی: بسیار خوب. ما در مورد اینکه اسم این تحولات را چه باید بگذاریم صحبت کردیم؛ ولی این سؤال مهم باقی می‌ماند که چرا انقلابی که در اوج بود به سرنگونی جمهوری اسلامی منجر نشد؟ **حمید تقوایی:** به نظر من، و فکر می‌کنم خیلی از ناظرین، گره اصلی رهبری انقلاب است. آن رهبری که بتواند واقعاً صفوف مردم را متحد کند، به آنها امید بدهد، و مردم بتوانند به آن اتکا کنند و ببینند نیروی در صحنه هست که نماینده خواست‌ها و آمال انقلابی آنهاست و می‌تواند بجای جمهوری اسلامی بنشیند، چنین نیروی هنوز سر بلند نکرده است.

حزب ما یکی از نیروهای است که این ادعا را دارد. اما هنوز کار زیادی باید بکنیم تا بتوانیم این نقش را ایفا کنیم.

ما همیشه گفتیم انقلاب یک پدیده عینی است که به‌خاطر تناقضات و مسائل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی موجود در جامعه، به‌خاطر درد و رنج و مصائب توده مردم شکل می‌گیرد. ولی پیشروی و پیروزی انقلاب امر دیگری است. پیروزی انقلاب تماماً برمی‌گردد به وجود یک نیروی رهبری کننده که فعال و در میدان باشد و بتواند اعتماد مردم را جلب کند.

حسن صالحی: مگر در تونس حزب و نیروی رهبری کننده وجود داشت؟

حمید تقوایی: در تونس هم گرچه انقلاب موفق شد دولت بوعلی را به زیر بکشد؛ ولی خواست‌ها و آرمان انقلابی مردم متحقق نشد. در مصر هم همین اتفاق افتاد. وجود رهبری پیش‌شروط پیروزی هم به معنی سرنگون کردن حکومت موجود و هم به معنای تحقق آرمان‌ها و خواست‌های انقلابی مردم است. در مصر و تونس امر دوم اتفاق نیفتاد و در رابطه با فاکتور اول هم تجربه تونس و مصر استثنای بود. ممکن است استثنای دیگری هم در تاریخ پیدا کنید؛ ولی به‌عنوان یک قاعده می‌توان گفت وجود نیروی رهبری کننده برای پیروزی انقلاب، هم به معنی سلبی و هم اثباتی کلمه، مطلقاً ضروری است. نقش رهبری از انقلاب چین و ویتنام و انقلاب اکتبر بگیرد تا انقلاب کوبا و آفریقای جنوبی کاملاً تعیین کننده بوده است.

در ایران هم این امر صادق است. امر حزب ما این است که این صندلی را پر کنیم، این خلأ را جواب بدهیم و ما با تمام توان و امکاناتمان در این راه تلاش می‌کنیم.

حسن صالحی: ما معمولاً این سؤال را از شما پرسیده‌ایم که حزب کمونیست کارگری چه برنامه ویژه‌ای را برای پیشروی انقلاب و به پیروزی رساندن آن دارد؟

حمید تقوایی: حزب باید مجموعه فعالیت‌های گسترده و متنوعی را به‌پیش برد. اما در اینجا تنها به دو عرصه مهم و تعیین کننده اشاره می‌کنم. یک عرصه همین مبارزات جاری کارگران شاغل و بازنشسته است. همانطور که گفتیم این پیشروی جنبش کارگری جنبش توده‌ای علیه حکومت را تعمیق و رادیکالیزه و تقویت می‌کند. ما تلاش می‌کنیم این جنبش با استقبال توده‌ای روبرو بشود. مشخصاً در قدم اول چهره‌های خود جنبش کارگری در بخش‌های مختلف با صدای بلند، به بیانیه و اطلاعیه‌هایشان، و با اقدامات عملی از مبارزات جاری نفت و مبارزات



فراخوان بازنشستگان به تجمع بزرگ در تهران



شهلا دانشفر

بازنشستگان در ادامه اعتراضات هر روزه خود برای ساعت ده صبح روز دوشنبه چهارم دی ماه به تجمع بزرگ در مقابل سازمان برنامه و بودجه در تهران فراخوان داده‌اند. در متن فراخوان آمده است: "فرق ندارد بازنشسته کدام سازمان و ارگان هستید برای رسیدن به اهداف مشترک صنفی ۴ دی ماه با هم در مقابل برنامه و بودجه تهران حضور خواهیم یافت".

خطاب فراخوان تجمع برای چهارم دی ماه به همه بخش‌های بازنشستگان و اتحاد مبارزاتی جمعیت میلیونی آنان برای فریاد دردهای مشترکشان است. بازنشستگان بخش رزمنده جامعه هستند که صدای اعتراض کل جامعه علیه فقر و فساد و بی‌تامینی هستند و با اعتراضات هر روزه خود به فاکتوری مهم در اوضاع سیاسی امروز تبدیل شده‌اند. به این اعتبار این فراخوان اتفاق سیاسی مهمی در متن شرایط پر تلاطم انقلابی جامعه است. فراخوان من به پیوستن وسیع به این فراخوان و حمایت از خواست‌های اعتراضی بازنشستگان است.

مدت‌هاست که بازنشستگان برای شکل دادن به اتحاد مبارزاتی سراسری بخش‌های مختلف خود تلاش می‌کنند و شعارش را در تجمعات اعتراضی‌شان سر می‌دهند. از جمله قبلاً نیز در سی‌ام آبان ماه بیش از هزار بازنشسته کشوری و تأمین اجتماعی طبق فراخوانی از قبل اعلام شده، مقابل وزارت کار در تهران تجمع داشتند و فریاد اعتراضشان را علیه فقر و بی‌تامینی بلند کردند. همچنین در هفتم آذرماه بازنشستگان کشوری و تأمین اجتماعی و پرستاران و کارگران شهرداری شهرستان اندیکا در مقابل استانداری اهواز تجمع هم‌زمانی برپا کرده بودند و اکنون تجمع مشترک بازنشستگان تأمین اجتماعی و کشوری در برخی شهرها به حرکتی معمول تبدیل شده است. نکته مهم اینجاست که فراخوان به تجمع بزرگ به همه بخش‌های بازنشستگان برای چهارم دی ماه در تهران قدمی در جهت

جامه عمل دادن به این اتحاد و مصداق عملی بخشیدن به شعار است که در هفتم هفته در بنر بازنشستگان کشوری در کرمانشاه با نوشته "درد مشترک، فریاد مشترک می‌طلبد، لشکری، کشوری، تأمین اجتماعی، مخابرات، علوم پزشکی، نفت، فولاد، اتحاد اتحاد" نقش بسته بود.

خواست‌های فوری اعلام شده بازنشستگان از جمله عبارت است از: درمان رایگان، اجرای همسان‌سازی و پرداخت معوقات آن، افزایش سطح حقوقها به بالای خط فقر سی میلیونی و پرداخت معوقات مزدی، خاتمه دادن به چپاول صندوق‌های بازنشستگی و بازگرداندن پول‌های به سرقت رفته از جمله دیون دولت به این صندوق‌ها، درمان رایگان.

بازنشستگان این خواست‌ها را بارها و بارها در تجمعات خود و در شعارهای اعتراضی‌شان فریاد زده‌اند. اعتراض بازنشستگان به فقر و بی‌تامینی است. به اختلاس‌ها و دزدی‌هاست، به تبعیض‌ها و نابرابری‌هاست. به سرکوبگری‌های حکومت است و اینها همه موضوعات اعتراض کل جامعه هستند که با شعار "فقر فساد گرونی میریم تا سرنگونی" در انقلاب زن زندگی آزادی آن را فریاد زدند. این چنین است که بازنشستگان با شعارهای "اتحاد اتحاد علیه فقر و فساد"، "درد ما درد شماست، مردم به ما ملحق شوید" تمام جامعه را به اعتراض متحد علیه فقر و فساد فرا می‌خوانند و در کنار آن با شعار "شاغل و بازنشسته، اتحاد، اتحاد" پرچم اتحاد طبقاتی کارگری را در دست گرفته‌اند. از اعتراضات و خواست‌هایشان بازنشستگان وسیعاً حمایت کنیم. فراخوان من به شرکت وسیع بازنشستگان از همه بخش‌های آن در تجمع بزرگ اعتراضی چهارم دی ماه در تهران و نیز حمایت وسیع مردم است.*

جایزه‌های دیگر به انقلاب زن، زندگی، آزادی

ادامه از صفحه نخست



جمهوری اسلامی از حضور خانواده مهسا در مراسم وحشت داشت و اجازه نداد که اعضای خانواده او در این مراسم شرکت کنند و همین خود نشان می‌دهد که چنین جوایزی چه فشاری را بر کرده این حکومت منفور قرار می‌دهد و چه وحشتی از مهسا و خانواده او دارند.

اما این فقط جمهوری اسلامی نیست که از جایزه به مهسا و همچنین نرگس محمدی خود را بازنده می‌بیند، جریان‌ات راست سلطنت طلب نیز هجمه گسترده‌ای را علیه نرگس محمدی و جایزه به انقلاب زن زندگی آزادی به جریان انداخته‌اند. اینها نیز خود را بازنده می‌بینند چرا که تنها امیدشان این بود که توسط دولت‌های اروپایی تحویل گرفته شوند و به رهبرشان رضا پهلوی جایزه داده شود. معلوم نیست برای کسی که از اعدام و زندان‌های سیاسی و شکنجه و ساواک دفاع می‌کند چرا باید جایزه داد! پهر رو طیف سلطنت طلب از قافله تاریخ عقب است. هنوز در قرن بیست و یکم در رؤیای بازگرداندن سلطنت و حکومت موروثی و دربار و ساواک در جامعه‌ای هستند که مشت بر آسمان می‌کوبد و به چیزی کمتر از یک جامعه آزاد و برابر و انسانی رضایت نمی‌دهد. جریان‌ات سلطنت طلب هر گامی که در این جهت برداشته‌اند جواب دندان شکنی از جامعه و مردم گرفته‌اند. اما ظاهراً با هیچ چکشی نمی‌توان اینها را از خواب

بیدار کرد و متوجه نمود که دوره ساواک و ثابتی و شاه و دربار گذشته است. عمرتان را تلف نکنید. حتی اگر تمام جوایز دنیا را هم به شاهزاده شما می‌دادند کارگران و مردم ایران برای جریانی که می‌خواهد آقابالاسر و شاه و ساواک برایشان به ارمغان بیاورد، فقط یک کور خواندی محکم نثار می‌کنند

این بیش از هر چیز شرایط جهانی و گفتمان‌های قدرتمند سیاسی است که دولت‌ها و گردانندگان نهادهایی مثل نوبل و ساخاروف را به صرافت انتخاب چهره‌های معینی برای اهدای جایزه می‌اندازد. انقلاب زن زندگی آزادی یک گفتمان زنده و محبوب در سطح جهان است و الهام بخش مردم منطقه و دنیا برای مقابله با سرکوبگران و دولت‌ها و جریان‌ات ارتجاعی است. چهره‌های شاخص و جان‌باخته این انقلاب همچون مهسا و حدیث و نیکا و مهرشاد بسیار محبوب و شناخته شده‌اند.

قطعاً روزی که حکومت منفور اسلامی توسط مردم به زیر کشیده شود، دنیا نفس راحتی خواهد کشید و پیروزی انقلاب زن زندگی آزادی در دنیا جشن گرفته خواهد شد و تصاویر مهسا و مهپایمان در همه جا بر سر دست بلند خواهد شد. آن روز دور نیست.*

جایزه نوبل به نرگس محمدی، حرکتی در تقویت انقلاب زن زندگی آزادی



حمید تقوایی

اهدای جایزه صلح نوبل به نرگس محمدی بحث‌هایی را در رسانه‌ها و در مدیای اجتماعی برانگیخته است. بخشی از چپ‌ها اهدای این جایزه را با توجه به سابقه اصلاح‌طلبی نرگس محمدی و به‌ویژه مواضع پرو موسوی امروز همسرش تقی رحمانی، نوعی چهره‌سازی از اصلاح‌طلبان و دوخوردادی‌ها می‌دانند. از سوی دیگر برخی از سلطنت‌طلبان علناً به او حمله می‌کنند، با هشتگ شیداد و لقب ایران فروش از او نام می‌برند، حتی به مراسم جایزه صلح نوبل و مدعوین آن به‌عنوان ایران ستیز و خائن و غیره می‌تازند! چرا؟ چون نرگس محمدی و چهره‌های شرکت‌کننده در مراسم صلح نوبل طرف‌دار شاهزاده نیستند، چون شاهزاده را کسی به مراسم دعوت نکرده است!

مشغله این جماعت این روزها مراسم جشن تولد فرح پهلوی و قهرمان‌سازی از پرویز ثابتی سرشکنج‌گر دوره شاه است. معیار اینان دفاع از آزادی و برابری و رفاه و عدالت نیست، دفاع از رژیم پهلوی است. استراتژی اینان احیای گورستان آریامهری است. حتی علناً اعدام و شکنجه را برای "امنیت ملی" لازم می‌دانند و تأسف می‌خورند که شاه مخلوع به اندازه کافی نکشته است! دموکراسی ادعائی اینها عبارت است از سرکوب و بگیروبیند زیر بیرق امنیت ملی و وطن‌دوستی و شاه‌پرستی! و این یعنی تقابل ۱۸۰ درجه‌ای با انقلاب زن زندگی آزادی. انقلابی درگرفته است و از تخت افتادگان به یاد احیای تخت و تاج افتاده‌اند. خواب برپاکردن دوره دیگری از اختناق و چپاول راه، این بار تحت نام سلطنت و شاه‌پرستی، می‌بینند. می‌خواهند جای "آیت خدا" را با "سایه خدا" عوض کنند و بجای مافیای آیت‌الله‌های میلیاردی، دوباره بساط هزار فامیل دوران پهلوی را پهن کنند. اما جامعه دارالمجانین نیست. این تلاش‌ها سلطنت‌طلبان را تنها منزوی‌تر و رسواتر می‌کند.

موضع انتقادی دیگر، مخالفت با اهدای جایزه صلح به نرگس محمدی از زاویه چپ است. برخی از نیروهای چپ این را نوعی بزرگ کردن چهره‌های اصلاح‌طلب به‌وسیله دول غربی و مشخصاً بنیاد نوبل می‌دانند. در این که سابقه نرگس محمدی به جنبش دو خرداد و خط اصلاح‌طلبی حکومتی بر می‌گردد تردیدی نیست. ولی مواضع و عملکرد او به‌ویژه با سر بلند کردن انقلاب زن زندگی آزادی نشانه فاصله گرفتن هر چه بیشتر وی از خط اصلاح‌طلبی و پیوستن به جنبش سرنگونی‌طلبانه مردم است. او در پیام خود به مراسم صلح نوبل، این جایزه را متعلق به "جنبش باشکوه زن زندگی آزادی" و گرامیداشت زنان مبارز ایران می‌داند، "مردم و جامعه ایران" (و نه ملت ایران) را بزرگ می‌دارد، خواهان "آزادی و برابری و دموکراسی" است و کل رژیم "استبداد دینی فاسد و شرور" را به چالش می‌کشد. این پیام هیچ وجه تشابهی با مواضع اصلاح‌طلبان ندارد. نرگس محمدی حتی از قبل از شروع انقلاب جاری به سمت سرنگونی‌طلبی سوق پیدا کرده بود. به‌عنوان نمونه در زمستان ۱۳۹۹ زمانی که موقتاً از زندان آزاد شده بود با دسته گل به خانه هم‌بندی سابقش، جعفر عظیم‌زاده، از چهره‌های چپ و شاخص جنبش کارگری که هنوز در زندان بود رفت و جایزه "تلاشگر حقوق بشر" در ایران را به او تقدیم کرد و بعد از آزادی جعفر عظیم‌زاده در کنار او به اقدامات اعتراضی برای آزادی زندانیان سیاسی دست زد. در دل انقلاب جاری این جهت‌گیری تقویت شد. برآمد

جنبش‌های انقلابی نظیر جنبش ۹۸ و جنبش حاضر کل نیروها و چهره‌های معترض را به چپ سوق می‌دهد و نرگس محمدی یکی از این چهره‌ها است.

همسر او تقی رحمانی هنوز رابطه نزدیک‌تری با دوخوردادی‌ها دارد. در موضع‌گیری و اظهاراتش در مورد اهدای جایزه صلح از زهرا رهنورد و موسوی و دیگر چهره‌های شاخص جنبش سبز نام می‌برد؛ اما او هم در عین حال فراموش نمی‌کند که نام سپیده قلیان را نیز ذکر کند. در حال موضع‌ایشان هر چه باشد نباید آن را به اسم همسرش نرگس محمدی نوشت.

نکته مهم این است که برخی از نیروهای چپ تأثیر مثبت انقلاب بر فعالین و زندانیان سیاسی و چهره‌های معترضی که ممکن است تا دیروز مواضعی اصلاح‌طلبانه داشته‌اند را نمی‌بینند. در حالی که نه تنها فعالین بلکه کل جامعه در تجربه خود مدام رادیکال‌تر و چپ‌تر شده است. شعار "اصلاح‌طلب اصول‌گرا دیگه تمومه ماجرا" که در خیزش ۹۶ مطرح شد بسیاری را به خود آورد و آن عده از دوخوردادی‌هایی که واقعاً به‌خاطر درد و رنج مردم، و نه نجات نظام از خطر انقلاب مردم، معترض بودند را به صف جنبش سرنگونی‌راند. باید این واقعیت یک جامعه انقلابی و پر تحول را دید و گذشته افراد را به موقعیت امروز آنها تعمیم نداد.

البته ممکن است کسانی هم از سر فرصت‌طلبی و جانماندن از تحولات جامعه سرنگونی‌طلب شده باشند. بسیاری از فعالین طرف‌دار شاهزاده از این قماش‌اند اما محتوای نقد و اعتراض اینان تماماً در تقابل با زن زندگی آزادی و دیگر شعارهای انقلاب نظیر "کرد بلوچ آذری آزادی و برابری" و حتی "نه می‌بخشیم و نه فراموش می‌کنیم" و "با هم هستیم" قرار می‌گیرد. کماینکه تلاش کردند "مرد میهن آبادی" را برجسته کنند، در برابر "با هم هستیم" اعلام کردند "کنار شاه می‌مانیم" و در خارج حتی بیرق "زن زندگی پهلوی!" را بلند کردند و امروز هم از پرویز ثابتی قهرمان‌سازی می‌کنند و به کسانی مثل نرگس محمدی و توماج صالحی می‌تازند.

این شرایط بیش‌ازپیش حمایت نیروهای چپ را از چهره‌هایی نظیر نرگس محمدی و سپیده قلیان و توماج صالحی ضروری می‌کند. ما جایزه صلح به نرگس محمدی راه همانطور که خود او در پیامش می‌گوید، بزرگداشت جنبش پرشکوه زن زندگی آزادی و مبارزات مردم به‌ویژه زنان ایران برای به زیر کشیدن جمهوری اسلامی می‌دانیم. مراسم اهدای جایزه به نرگس محمدی یکبار دیگر سرها را به‌طرف مبارزات مردم ایران، وضعیت زندانیان سیاسی در ایران و انقلاب زن زندگی آزادی چرخاند. هزاران نفر در اسلو در شب برگزاری مراسم با مشعل‌های فروزان و با بنر بزرگ woman life freedom به خیابان‌ها آمدند و یکبار دیگر حمایت خود را از انقلاب ایران اعلام داشتند. اهدای این جایزه، مستقل از نیت مقامات دولت نروژ و یا کمیته نوبل، تحول مهمی در تقویت انقلاب در ایران بود. این همچنین حرکتی بود در دفاع از زندانیان سیاسی و تقویت مبارزه برای آزادی آنها. چپ باید با تمام قوا از چنین تحولاتی حمایت کند و به استقبال آن برود.

۲۱ آذر ۱۴۰۲، ۱۲ دسامبر ۲۰۲۳

رقص "صادقانه"، فرهنگ "متجدد" و حاکمیت مرتجع



میلاد ربیعی

حکومت با درافتادن با صادق بنا متجدد یا صادق بوقی، دسته گل جدیدی به آب داد و خود را بیش از پیش مورد تمسخر مردم قرار داد. مردم هم مانند همیشه با نمایشی از شادی و اتحاد و یگانگی چنان جوابی به او دادند که بلافاصله مجبور به عقب نشینی مفتضحانه شد. در سالهای اخیر مردم معترض به خوبی آموخته اند که چگونه جواب سرکوبگریهای حکومت جانبان از گور برخاسته و آنها را سکه یک پول کنند. رقص و آهنگ صادق بوقی تبدیل به یک جنبش اجتماعی علیه حکومت منفور اسلامی شد.

هدف از اعمال خشونت و سرکوب از سوی حکومت‌های استبدادی ایجاد جو خفقان عمومی و مرعوب کردن جامعه است تا جایی که امید به هر نوع تغییر و طبعاً هر تلاشی برای رسیدن به آن در میان مردم از بین برود. جمهوری اسلامی پس از آغاز انقلاب زن، زندگی، آزادی برای رسیدن به همین هدف سرکوبی گسترده را آغاز کرده و همچنان ادامه می‌دهد و در این راه نهایت سبوعیت و توحش را به نمایش گذاشته است؛ اما نه تنها ذره‌ای به هدف خود نزدیک نشده؛ بلکه کاملاً برعکس، با جامعه‌ای مواجهیم که مدام و هر لحظه در حال جوش و خروش و مبارزه است.

در یک نگاه کلی در این مقطع، مبارزات مردم و فعالین سیاسی به دو صورت پیش برده می‌شود. از طرفی با موجی از اعتراضات اقشار مختلف مردم و جنبش‌های اعتراضی گوناگون روبرو هستیم که حتی یک روز هم متوقف نمی‌شود. اعتصابات گسترده در مراکز مهم کارگری از جمله

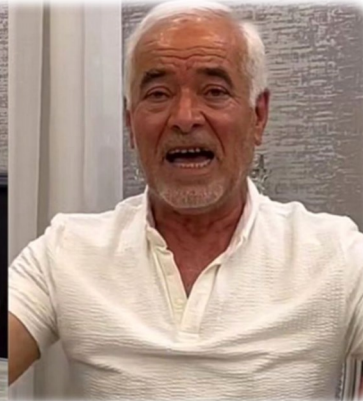
صنعت نفت و ذوب آهن و غیره در کنار اعتراضات به حق بازنشستگان و کارمندان فضای اعتراضی جامعه را داغ‌تر از همیشه کرده است. شکل دیگر مبارزات مردم که از اهمیت بسیاری برخوردار است با اشکالی چون پی‌جایی زنان در اماکن عمومی، عامه‌پرانی، برخورد مردم با حجاب بانان، رقص و آواز و شادی در خیابان‌ها و ده‌ها شکل مبتکرانه دیگر پیش برده می‌شود. نکته قابل توجه این است که تمام این اشکال اعتراضی آگاهانه هدف نهایی‌شان سرنگونی حکومت اسلامی است و همگی به پیشبرد این امر کمک می‌کنند. در این میان هرزگامی موضوعی و یا اتفاقی مشخص تبدیل به بهانه‌ای برای مردم در مقابله با رژیم می‌شود. مدیای اجتماعی در بازتاب و انتقال این اشکال اعتراضی نقش بسیار مهمی ایفا می‌کند. حادثه‌ای باعث ایجاد کمپین اجتماعی عظیم و از پیش اعلام نشده‌ای می‌شود که کاملاً خودجوش و از اعماق جامعه جریان می‌یابد.

نمونه اخیر آن ماجرای "صادق بوقی" است. در سراسر ایران از شمال تا جنوب مردان معمولاً مسنی هستند که لیدر هواداران تیم‌های مختلف اند و از آن‌ها به عنوان "بوقچی" نام برده می‌شود. صادق بنا متجدد نیز یکی از آن‌ها است. این نامی است برای مردی ۷۰ ساله و ساکن رشت که به شغل ماهی‌فروشی مشغول است و به دلیل سال‌ها فعالیت در زمینه لیدری

هواداران باشگاه‌های فوتبال گیلان به این نام مشهور شده است. احتمالاً بسیاری از خوانندگان ما کلیپ رقص و آواز او را در بازار ماهی‌فروشان رشت دیده‌اند که در آن ترانه فولکلور طنزی را با گویش گیلکی به سبک خود اجرا می‌کند. انتشار گسترده این کلیپ در اینستاگرام وی با چنان استقبالی روبرو شد که به سرعت ۱۲۸ هزار نفر دنبال کننده پیدا کرد. بلافاصله رژیم احساس خطر کرد، موجودیت خود و اسلام را در خطر دید، صفحه اینستاگرام صادق متجدد را بست و پیامی مبنی بر رصد «فعالیت‌های مجرمانه» شهروندان در آن به نمایش گذاشت. تازه به همین هم اکتفا نکرد و نه تنها آقای متجدد را بلکه ۱۲ نفر دیگر مرتبط با این "پرونده" را دستگیر کرد. ماجرا چنان مضحک و مبتذل است که به یک لطیفه شباهت دارد. هر ناظر بیرونی اگر این ماجرا را باور کند تنها نتیجه‌ای که از آن می‌گیرد وخامت غیرقابل وصف اوضاع رژیم است. می‌توان تصور کرد که پایه‌های حاکمیت سیاسی تا چه اندازه باید لرزان شده باشد که دست به اجرای چنین نمایش مسخره‌ای بزند. اما آنچه بعد از این ماجراها اتفاق افتاد چیزی مهم‌تر و عظیم‌تر از استیصال رژیم را نشان داد.

در سراسر مدیای اجتماعی با سرعتی عجیب، پر شد از کلیپ‌هایی که زن و مرد و پیر و جوان از سراسر جهان با همان ترانه صادق متجدد می‌خواندند و با همان سبک می‌رقصیدند.

حکومت که مرعوب‌تر از قبل سیل کلیپ‌ها را دید، مذبحانه تلاش کرد خبر دستگیری آقای متجدد را تکذیب کند و او را آزاد کرد؛ اما مثل همیشه بیشتر آبروی نداشته خود را برد. موج گسترده حمایت مردم راه افتاده و هیچ چیز جلودار آن نبود. جامعه با این حرکت ضمن حمایت از یک انسان زحمت‌کش، روشی از مبارزه، همدلی و همبستگی را به



نمایش گذاشت که در نوع خود کم‌نظیر است.

مردم به خوبی می‌دانند که حکومت اسلامی دشمن شادی و رقص و خنده است. ارزش‌های پوسیده رژیم بر همه آشکار است. این حکومتی است که "تبسم را بر لب‌ها جراحی" می‌کند و "ترانه را بر دهان". این مدیحه‌گویان تباهی و مرگ، شکست سیاست‌های خود را در شادی مردم، در تبسم یک کودک، در یک مهمانی جشن تولد، در رقص یک پیرمرد می‌بینند و از آن به وحشت مرگ می‌افتند. منادیان ضجه و اشک از هر چه بوی زندگی دارد و هر جا که نشانه‌ای از امید هست، هراسان می‌شوند. خودشان و ارزش‌هایشان مورد تنفر و انزجار مردم‌اند. صدای خنده‌های مردم، کابوس شبانه آن‌ها است. در صحنه این نبرد بدون شک پیروزی از آن مردان و زنانی است که زندگی را نمایندگی می‌کنند و هدفشان آزادی است.*

اساس سوسیالیسم انسان است!

از «سامانه فارز» تا آنتی ویروس حکومتی



محمد شکوهی

برابر شد. رژیم از هکرهای روسی و چینی برای راهاندازی شبکه سانسور و فیلترینگ استفاده کرده و در تلاش است سیستم امنیتی چینی و روسی اطلاعات اینترنتی را در شبکه ارتباطات کشور جایگزین سیستم‌های رایج تاکنونی نمایند. خامنه‌ای بارها در باره «تهاجم شبکه‌های اجتماعی به حکومت» و خطر روبه‌رشد آن برای کل نظام هشدار داده و از واژه «جنگ ترکیبی دشمن» بر علیه نظام استفاده کرد و از نهادها و ارگان‌های مسئول پیشبرد سیاست‌های اعمال فیلترینگ و سانسور خواست تا تمام امکانات حکومت را برای مقابله با این تهدید به کار گیرند.

راه‌اندازی «سامانه فارز» و آنتی ویروس حکومتی که این روزها حکومت اعلام کرده است، گامی است در جهت گسترش فیلترینگ و جاسازی آنتی ویروس ویژه حکومتی برای ردیابی و شناسایی کاربران.

سیاست‌های اعمال سانسور، فیلترینگ و کنترل شبکه‌های اجتماعی توسط حکومت رسماً شکست خورده است. یک جنگ تمام‌عیار مردم با حکومت و تمام ارزش‌های دینی و مذهبی و در یک کلام علیه کل نظام در مדיای اجتماعی داخل کشور در جریان است. مردم و کاربران شبکه‌های اجتماعی این بار هم آنتی ویروس حکومتی و «سامانه فارز» را دور خواهند زد. کاری که مردم با «شبکه ملی اینترنت حکومت» کردند. اینترنت و شبکه‌های پیام‌رسانان یک ابزار سازماندهی اعتراض و مبارزه و روشنگری مردم و فعالین سیاسی و اجتماعی علیه حکومت است، در عین حال یک تهدید جدی برای کل نظام و ارزش‌های مذهبی و ضدانسان‌اش و سیاست‌هایش است. حضور ده‌ها میلیونی مردم در این شبکه‌ها، ردوبدل کردن پیام و دخالتگری‌شان در شکل دادن به مبارزات جاری اجتماعی و سیاسی، دمار از روزگار حکومت سرکوب و اعدام درآورده است. مردم و کاربران شبکه‌های اجتماعی این سیاست جدید فیلترینگ و سرکوب حکومت را شکست خواهند داد. در این شکی نیست.*

در ماه‌های بارها مقامات ریزودرشت حکومت صحبت «از کنترل خارج شدن فضای مجازی و خطرات آن برای حکومت»، به میان آورده و شبکه‌های اجتماعی را یک تهدید بزرگ برای رژیم قلمداد کرده و تأکید کردند برنامه‌هایی برای مقابله با استفاده مردم از موبایل و فیلترینگ شبکه‌های اجتماعی تدارک دیده‌اند. یکی از تازه‌ترین این اقدامات رژیم راه‌اندازی سامانه فارز و آنتی ویروس حکومتی است. سامانه‌ای که رسماً توسط ارتش سایبری حکومت، وزارت ارتباطات، سپاه و بسیج و با همکاری هکرهای روسی و چینی راه‌اندازی شده است. اینکه مقام پلیس حکومت می‌گوید «به شورای عالی فضای مجازی پیشنهاد داده‌ایم که استفاده از آنتی ویروس ایرانی «فارز» را روی موبایل‌ها الزامی کند»، بیانگر ترس و وحشت حکومت از گسترش استفاده ضد حکومتی مردم از شبکه‌های اجتماعی و تلاش‌های حکومت برای اعمال سانسور و فیلترینگ و کنترل کامل شبکه‌های تلفن همراه و خانگی در کشور است. آنتی ویروس «فارز» یک ویروس و نرم‌افزار جاسوسی است که حکومت از این طریق در صدد کنترل کاربران و شناسایی آنها است.

حکومت به‌خوبی می‌داند که همه سیاست‌های فیلترینگش با استفاده گسترده مردم از فیلتر شکن و... رسماً شکست خورده و نتوانسته سیاست‌های اعمال سرکوب و سانسورش را به‌پیش ببرد. از راه‌اندازی شبکه اینترنت ملی گرفته تا «طرح صیانت از کاربران» و ده‌ها طرح و مصوبه دیگر، بیانگر ترس و وحشت حکومت از حضور ده‌ها میلیونی مردم در شبکه‌های اجتماعی است. شبکه‌های اجتماعی به‌طور واقعی یک میدان جنگ هر روز مردم علیه حکومت است و این یک خطر جدی و واقعی برای حکومت است. حکومت سال گذشته دید که این شبکه‌ها چه جایگاهی در سازماندهی اعتراضات مردم، و بازتاب صدای انقلاب مردم به دنیا داشتند و تمام دنیا متوجه ابعاد سبعیت و جنایات رژیم در سرکوب و کشتار معترضان شد. ابتکارات مردم در دوردن سیاست سانسور اینترنت در نوع خود بی‌نظیر بود.

در طول یک سال گذشته، به‌ویژه در جریان انقلاب زن زندگی آزادی با دستور خامنه‌ای تلاش‌های سانسور و فیلترینگ چندبرابر شد. با اختصاص هزینه‌های صدها میلیاردی دست سپاه و ارتش سایبری حکومت و نهادهای اطلاعاتی و امنیتی برای «تأمین امنیت رژیم» چندین

جمهوری اسلامی نابود باید گردد



جنبشی که بر دهان خامنه‌ای می‌گوید!

مهران محبی

در مدت دو هفته گذشته، بازنشستگان، کارگران از جمله در بخش‌های نفت و گاز و فولاد اصفهان، پرستاران، معلمان حق‌التدریسی و لنج‌داران، ملوانان و کسبه بندر گناوه با تجمعات و اعتصابات خود فضائی از اعتراض سراسری و قدرتمندتر را در اکثر شهرها شکل دادند.

اعتصابات سه‌روزه هزاران کارگر ذوب آهن اصفهان در اعتراض به پائین بودن دستمزد و وضعیت نامناسب معیشتی‌شان نمونه‌ای از اعتراضات قدرتمند کارگری در این مدت است که با یورش یگان ویژه و سرکوبگران امنیتی مواجه شد و تعدادی از رهبران اعتصاب بازداشت شدند و موقتاً کمی عقب زده شد. اما کارگران اولتیماتوم دادند و اعلام کردند و گفتند که کاری نکنید که با قدرت بزرگ‌تری دوباره به میدان بیایم و با تأکید بر حق تجمع و اعتراض خواستار آزادی همکاران خود شدند و اخطار دادند که اگر پاسخ نگیرند دوباره دست به اعتراض خواهند کرد.

تجمعات اعتراضی کارگران رسمی و ارکان ثالث نفت آغاچاری، جزایر لاوان و سیری، پالایشگاه آبادان، و چندین سکوی نفتی و مناطق نفت‌خیز جنوب و غیره تقریباً در تمام ایام هفته برپا بوده است و بازنشستگان نیز در خیلی از شهرها طبق معمول در روزهای اعتراضی اعلام‌شده‌شان تجمع داشته‌اند. همچنین پرستاران در شهرهای مختلف در اعتراض به وضعیت معیشتی و کاری خود دست به تجمعات زده‌اند.

از سوی دیگر در این دو هفته تجمع کسبه، لنج‌داران و ملوانان بندر گناوه را داشتیم و ما شاهد تجمعات چندین هزاره نفری آنها و همراهی مردم بوده‌ایم. اعتراض آنان به مصوبه طرح ساماندهی کالای تجاری مرزی منسوب به "ته لنجی" که میزان کالاهای غیر گمرکی همراه ملوانان را محدود و از این طریق معیشت هزاران نفر در این شهرها را تحت تأثیر قرار می‌دهد است. آنها در چهاردهمین روز اعتراضاتشان با جمعیتی هزاران نفره و با همراهی مردم و مدارس تجمع کردند و بالاخره در این هفته معلمان حق‌التدریسی با خواست رفع بلا تکلیفی شغلی خود در چند شهر در سیستان و بلوچستان دست به اعتصاب زدند و در بندر جاسک دانش‌آموزان را با خود همراه داشت.

یک موضوع داغ این اعتراضات و بحث در میان مردم دزدی‌های حکومت است که ارقام نجومی ای از آنها در همین هفته بر ملا شد. یک نمونه‌اش دزدی حدوداً سه و نیم میلیارد دلاری یعنی نزدیک به یک صد و هفتاد هزار میلیارد تومانی حکومت توسط گروه موسوم به چای دیش است که در نتیجه رقابت‌ها و جدال‌های باندهای دزد و غارتگر و جنایت‌کار حکومتی افشا شد. این مبلغ نجومی را دزدان همدست در شرکت چای دیش به جیب زده‌اند که سر اصلی آن در بیت خامنه‌ای است. از همین رو طبق معمول، سران و مقامات حکومت مانع از درز جزئیات و اطلاعات بیشتری در این رابطه به بیرون از حلقه خودی‌ها شده‌اند. در این رابطه طبق گزارشات رسمی، فقط اکبر رحیمی مدیرعامل شرکت چای دیش بازداشت شده و صحبت از سر دسته بودن پسر رئیس دفتر خامنه‌ای (محمدی گلبایگانی)، داماد خامنه‌ای و همسر بشری دختر خامنه‌ای بر سر زبان‌ها است.

سیاست سران دزد و فاسد جمهوری اسلامی در برخورد با افشاشدن دزدی‌های باندهای حکومتی همواره ماست‌مالی کردن و کم‌اهمیت

جلوه‌دادن آن‌ها بوده است. کشیده‌شدن پای سران حکومت و خامنه‌ای جنایت‌کار به اخبار این دزدی‌ها باعث هراس رژیم شده و این وسط مدیرعامل چای دیش یکی از پادوهایشان را قربانی کرده‌اند، تا دزدی‌های سیستماتیک حکومتی را در اذهان عمومی به دزدی‌های موردی و شخصی تقلیل دهند. در راستای همین سیاست خامنه‌ای بارها تذکر داده است که افشاگری‌ها علیه دزدی‌های یکدیگر را کش ندهند. حتی چندی پیش افشاگری در مورد دزدی‌های آقازاده‌ها را چون به ضرر به اصطلاح انسجام حکومت و نظام است، حرام و ممنوع اعلام کرد.

به موازات این گبرودار حکومتی که سعی می‌کنند یکی از ابر دزدی‌هایشان را ماست‌مالی کنند و ریش رهبر را از مخمضه رها کنند، بازنشستگان شهرهای مختلف در تجمعات خود بر دزدی‌های حکومتی و مخصوصاً این ابردزدی به‌عنوان یکی از دلایل اصلی فقر و فلاکت عمومی مردم انگشت می‌گذارند و خامنه‌ای و حکومتش را مجرم اصلی می‌دانند. بازنشستگان در جواب به ماست‌مالی کردن‌های دزدی جدید توسط سران حکومت شعار می‌دهند: "چای دیش عالی‌ه، سفره ما خالی‌ه".

به این طریق بازنشستگان آینه‌ای از واکنش کل جامعه نسبت به دزدی‌های نجومی حکومتی بوده و در قالب شعارشان فریاد اعتراض خود را علیه فقر و بی‌تامینی و چپاولگری‌های حاکم بلند کرده و بدین‌گونه جواب دندان شکنی به توصیه‌های پدران و آمرانه خامنه‌ای مبنی بر نادیده‌گرفتن و فشارنیابردن به کلیت نظام کثیف و دزد جمهوری اسلامی می‌دهند.

امروز همه مردم به فلاکت کشیده شده می‌دانند که عامل اصلی وضعیت غیرقابل تحمل و غیرانسانی موجود، حکومت جمهوری اسلامی و دزدان و غارتگران حاکم بر سرنوشت جامعه هستند. در نتیجه هر تلاش حکومتی و هر نصیحت خامنه‌ای برای آبروداری نظام و از زیر فشار اعتراضات توده‌ای به‌دربردن ناکام می‌ماند.

انقلاب زن زندگی آزادی برای پایان دادن به هر نوع دزدی و فساد، تبعیض و نابرابری و برقراری نظامی انسانی است. انقلابی که خواستش برخورداری همه مردم از همه امکانات و حقوق سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به طور برابر است. انقلابی که امروز در عرصه‌های مختلف اجتماعی در حال تعمیق و نفوذ به ریشه معضلات و نابرابری‌های تاریخی جامعه است. یک عرصه مهم اعتراضات در این انقلاب اعتراضات و اعتصابات کارگران و مزدبگیران است. اعتراضات و اعتصابات معیشتی بخش‌های مختلف طبقه کارگر که هر روزه و مداوم جریان دارد و با خواست‌ها و مطالباتی که منافع عمومی را نمایندگی می‌کند، صدای اعتراض کل جامعه است و در قلب مردم جا دارد. از این‌رو در حال قدرت‌گیری و واردآوردن فشار بیشتر بر حکومت است. بدین‌گونه جنبش کارگری می‌رود تا بر اعتراضات خیابان قدرت دهد و میخ آخر را بر تابوت جمهوری اسلامی بکوبد. زنده‌باد انقلاب.*



مذب کمونیست کارگری ایران

Worker-Kommunist Party of Iran

اطلاعه‌های هفته اخیر

اخبار نفت: شماره ۳۹

اعتراضات و تجمعات کارگران رسمی نفت ادامه دارد تجمع کارگران رسمی شرکت فلات قاره لاوان و سکوی نفتی ابوذر

روز ۱۷ آذر کارگران رسمی شاغل در فلات قاره لاوان در ادامه اعتراضاتشان به تعرضات معیشتی حکومت و عدم پاسخگویی به خواست‌هایشان تجمع کردند. همانطور که قبلاً گزارش کردیم در این روز کارگران رسمی شاغل در شرکت نفت فلات قاره در بهرگان نیز تجمع داشتند.

بعلاوه در روز ۱۵ آذر نیز در همین رابطه کارگران عملیاتی سکوی نفتی ابوذر تجمع اعتراضی برپا کردند. اعتراضات کارگران رسمی نفت در سکوهای نفتی و بخش‌های عملیاتی به صورت متوالی ادامه دارد. یک مانع بازتاب سریع اخبار این اعتراض ضعیف بودن و یا قطع اینترنت است. حذف سقف حقوق، حذف محدودیت حق سنوات بازنشستگی، عودت کسورات مالیاتی، اجرای ماده ده و پرداخت معوقات آن و عدم دست‌اندازی به صندوق بازنشستگی خواست‌های فوری این کارگران است. از خواست‌ها و اعتراضات کارگران نفت وسیعاً حمایت کنیم. به هر شکل که می‌توانید به کارزار حمایت از کارگران نفت بپیوندید.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۸ آذر ۱۴۰۲، ۹ دسامبر ۲۰۲۳

بار دیگر بازنشستگان تأمین اجتماعی و فولاد در شهرهای مختلفی تجمع کردند

امروز نوزده آذر بازنشستگان تأمین اجتماعی همانند دیگر یکشنبه‌ها از شهرهای اهواز، کرمانشاه، شوش، کرخه، هفت‌تپه، و اراک، علیه فقر و بی‌تامینی و بی‌پاسخ ماندن خواست‌هایشان تجمعاتی اعتراضی برپا کردند.

در شوش بازنشستگان با اشاره به افشای دزدی کلان ۳ میلیارد و ۳۷۰ میلیون دلاری از شرکت کشت و صنعت چای دبش وابسته به بنیاد مستضعفان وابسته به بیت رهبری، از جمله شعار می‌دادند "چای دبش عالیه سفره ما خالیه". دیگر شعارهای این بازنشستگان که خشم و نفرت آنها را از وضع بد معیشتی و دزدی‌ها بیان می‌کرد عبارت بودند از: "حقوق نصفه‌نیمه سکوت کنی همینه"، "حقوق نصفه‌نیمه چایی نخوری همینه"، "چای دبش عالیه سفره ما خالیه"، "چایی می‌زنیم تو لیوان لعنت بر این مدیران"، "چایی دبشو جمع کنین، مشکل ما رو حل کنین!"

در کرمانشاه بازنشستگان شعار می‌دادند: "کشوری، لشکری، تأمین اجتماعی اتحاد، اتحاد"، "تا حق خود نگیریم از پا نمی‌نشینیم"، "فقط کف خیابون به دست میاد حقمون"، "عزا عزاست امروز، روز عزاست امروز، حقوق بازنشسته زیر عباست امروز". در این تجمع بزنی با نوشته "معیشت، منزلت، حق مسلم ماست" قابل توجه بود.

دیگر شعارهای بازنشستگان عبارت بودند از: "صندوق خالی کردند ما را بیچاره کردند"، "اختلاس، اختلاس، عامل فقر و فساد"، "یک اختلاس کم بشه، مشکل ما حل میشه"، "دولت با جنای نمیخوایم، نمیخوایم"، "نه وعده نه بازی اجرای همسان‌سازی"، "و وعده وعید

ادامه اعتراضات پرستاران، گرامیداشت یاد محسن شکاری و هومن عبداللهی از جان‌باختگان انقلاب

روز ۱۸ آذر پرستاران در اهواز در ادامه اعتراضاتشان به وضع بد معیشتی و شرایط دشوار کاری مقابل استانداری تجمع کردند. اعتراض قبلی آنها در هفتم آذر همراه با بازنشستگان تأمین اجتماعی و کشوری و کارگران شهرداری اندیکا انجام گرفت و شعار "لشکری، کشوری، پرستار تأمین اجتماعی، اتحاد" در خیابان طنبنین انداخت. عدم پرداخت تعرفه‌ها و سطح نازل حقوقها، فشار سنگین کاری و اضافه کاری‌های اجباری، شرایط بد و غیراستاندارد مراکز درمانی به لحاظ بهداشتی، اخراج‌ها و قراردادهای پیمانی و معوقات مزدی از جمله موضوعات سراسری اعتراضات پرستاران است. شورای هماهنگی اعتراضات پرستاران بر سر این موضوعات کارزاری مطالباتی را اعلام کرده است. در رابطه با این مطالبات تاکنون پرستاران در شهرهای مختلفی از جمله اراک، اهواز، دیواندره، مشهد، تهران، فسا، سنندج، صومعه‌سرا، رشت، سقز، کرمانشاه، ارومیه، کاشان، آران و بیدگل، یزد، و اسلام‌آباد غرب تجمع داشته‌اند. مطالبات پرستاران ارتباط مستقیمی با وضع بهداشت در سطح جامعه دارد و باید مورد وسیع‌ترین پشتیبانی‌ها قرار گیرد.

هفته آذر اولین سالگرد قتل حکومتی محسن شکاری از بازنشستگان انقلاب زن زندگی آزادی بود. به این مناسبت جمعی از هم‌بندی‌های سابق وی بر سر مزارش جمع شدند. همچنین بنرهایی از او در مراکز از شهر از جمله در یکی از پل‌های هوایی تهران نصب گردید و به یاد وی شعارنویسی‌های بسیاری شد. مردم با ارج گذاشتن و گرامیداشت یاد جان‌باختگان انقلاب بر تداوم اعتراضاتشان تا سرنگونی حکومت تأکید دارند.

روز شانزده آذر نیز سالگرد هومن عبداللهی از جان‌باختگان انقلاب با حضور خانواده و جمع کثیری از مردم انقلابی شهر سنندج و حسن‌آباد در آرامستان حسن‌آباد برگزار شد. هومن عبداللهی، ۱ آساله، شب ۱۶ آذرماه ۱۴۰۱ در جریان اعتراضات مردمی در شهرک حسن‌آباد سنندج توسط نیروهای امنیتی به قتل رسید.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۸ آذر ۱۴۰۲، ۹ دسامبر ۲۰۲۳

شعارهای میدانی مردمی علیه سرکوبها و برای آزادیهای وسیع سیاسی



- ۱- تجمع، اعتراض، تشکر حق مسلم ماست
- ۲- باتوم و گارد ویژه دیگر اثر ندارد
- ۳- زندانی سیاسی آزاد باید گردد
- ۴- معلم زندانی آزاد باید گردد
- ۵- ما همه با هم هستیم

گزارشات از فروردین تا مهرماه هفده کارگر نفت و گاز و پتروشیمی در اثر ناامنی محیط کار جان باخته‌اند.

یک خواست فوری و سراسری کارگران نفت ایمن شدن محیط‌های کار با استانداردهای قابل قبول است. نمایندگان منتخب کارگران باید امکان کنترل مراکز کارگری از نظر ایمنی را داشته باشند و نظرات آنها به اجرا گذاشته شود.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۹ آذر ۱۴۰۲، ۱۰ دسامبر ۲۰۲۳

اخبار نفت: شماره ۴۱

تجمع مشترک بازنشستگان نفت همراه با کارگران رسمی مناطق نفت خیز جنوب

امروز نوزده آذر در اهواز بازنشستگان نفت همراه با شاغلین در مناطق نفت خیز جنوب در اعتراض به تعرضات معیشتی حکومت و اختلاس‌ها مقابل درب شرکت نفت تجمع و اعتراض کردند. در این تجمع اعتراضی تجمع‌کنندگان با شعار "شاغل و بازنشسته اتحاد اتحاد" همه کارگران در نفت را به اعتراض فراخواندند. بازنشستگان نفت قبلاً نیز همراه با کارگران رسمی در شهرهایی چون شیراز، اهواز، شاهین‌شهر، ماهشهر، و اصفهان برای پیگیری مطالباتشان تجمعات مشترک داشته‌اند. "شاغل و بازنشسته اتحاد اتحاد" اکنون شعار بخش‌های مختلف بازنشستگان است. شعاری که اتحاد طبقاتی کارگری در سطح جامعه را نمایندگی می‌کند. این شعار را باید همه‌جا تکثیر کرد و در کف خیابان به طور میدانی به آن تحقق بخشید. از دیگر شعارهای کارگران در این تجمع عبارت بودند از: "دولت ورشکسته ما رو بیچاره کرده"، "نه دولت نه مجلس نیستند به فکر ملت"، و "حق رو ناحق کردن ما رو بیچاره کردن".

یک اعتراض کارگران و بازنشستگان نفت دست‌اندازی به صندوق‌های بازنشستگی و بالاکشیدن ذخایر این صندوق‌هاست که متعلق به کارگران در دوران بازنشستگی‌شان است. همچنین کارگران شاغل و بازنشسته نفت به ادغام صندوق‌های بازنشستگی نیز اعتراض دارند. همچنین حذف سقف حقوق، عودت کسورات مالیاتی، حذف محدودیت سنوات بازنشستگی از دیگر موضوعات اعتراض این کارگران است. اینها خواست‌های مشترک و سراسری کارگران شاغل و بازنشسته در نفت است. از اعتراضات کارگران نفت وسیعاً پشتیبانی کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۹ آذر ۱۴۰۲، ۱۰ دسامبر ۲۰۲۳

کافی، سفره‌ما خالیه"، "دولت خیانت می‌کند، مجلس حمایت می‌کند"، "شرکت پردرآمد چه بر سر تو آمد".

در اهواز بازنشستگان در مقابل اداره کل سازمان تأمین اجتماعی خوزستان تجمع داشتند و سپس با سردادن شعارهای اعتراضی‌شان تا میدان فرهنگ راهپیمایی کرده و فضای پر شوری از اعتراض را شکل دادند. در این تجمع بازنشستگان برهائی با نوشته‌های "شاغل و بازنشسته اتحاد اتحاد"، "درمان رایگان حق مسلم ماست" و در دفاع از فرزانه زیلابی وکیل محبوب خود که به‌خاطر دفاعش از کارگران حکم زندان دارد را به دست داشتند که توجه‌ها را به خود جلب می‌کرد. پرونده فرزانه زیلابی که به اتهام فعالیت "تبلیغی علیه نظام" به یک سال حبس و دو سال ممنوع‌الخروجی از کشور محکوم شده است، در هجدهم آذر در دادگاه تجدیدنظر استان خوزستان مورد بررسی قرار گرفت. خواست کارگران لغو احکام صادره و مسدودشدن پرونده تشکیل شده برای او است.

حرکت اعتراضی دیگر در این روز از سوی معلمان خرید خدمات آموزشی در بلوچستان انجام گرفت. معلمان خرید خدمات از روز گذشته در مناطق راسک، بنت و آشار در سیستان و بلوچستان در اعتراض به وضع بد معیشتی و شغلی خود و با خواست فوری استخدام در آموزش و پرورش و پرداخت حقوق‌های معوقه‌شان در اعتصاب به سر می‌برند. ۹ سال است که به آن‌ها وعده داده می‌شود و حقوق سال گذشته خود را هم دریافت نکرده‌اند. معلمان خرید خدمت بارها در سطح سراسری دست به اعتراض و تجمع زده‌اند. بنا بر خبرها امروز نوزدهم آذر دانش‌آموزان و معلمان شهرستان راسک و سرباز با پلاکاردها و دست‌نوشته‌های خود حمایت خود را از معلمان خرید خدمت اعتصابی اعلام داشتند.

بازنشستگان هر روز متحدتر و همبسته‌تر اعتراضات خود را به پیش می‌برد. بازنشستگان خواست‌های اعتراضی کل جامعه را نمایندگی می‌کنند و با شعارهای "اتحاد اتحاد علیه فقر و فساد" و "شاغل و بازنشسته اتحاد، اتحاد" نماینده اتحاد مبارزاتی کل جامعه علیه بساط فقر و توحش حاکم هستند. از خواست‌ها و مطالبات بازنشستگان باید وسیعاً حمایت کرد و این شعارها را در همه‌جا تکثیر کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۹ آذر ۱۴۰۲، ۱۰ دسامبر ۲۰۲۳

اخبار نفت: شماره ۴۰

کارگران رسمی نفت

به اعتراضات متحدانه خود ادامه می‌دهند

کارگران رسمی فلات قاره سیری و بهره‌برداری نفت و گاز آغاچاری همچنان در اعتراض‌اند

امروز ۱۹ آذرماه کارگران شرکت نفت فلات قاره سیری و شرکت بهره‌برداری نفت و گاز آغاچاری در ادامه اعتراضات خود به تعرضات معیشتی حکومتی و برای پیگیری خواست‌هایشان بار دیگر دست به تجمع زدند. این کارگران خواست‌هایی دارند که پاسخ نگرفته و اعلام کرده‌اند که تا رسیدن به خواست‌هایشان به اعتراضات و تجمعات خود ادامه می‌دهند. حذف سقف حقوق، حذف محدودیت حق سنوات بازنشستگی، عودت کسورات مالیاتی، اجرای ماده ده و پرداخت معوقات آن و عدم دست‌اندازی به صندوق بازنشستگی خواست‌های فوری این کارگران است.

خبر تأسف بار اینکه بنا بر خبرهای منتشر شده از سوی فرماندار کوههدشت، ۵ تکنسین اصفهانی که برای لایروبی انبار شرکت نفت برداسپی شهرستان کوههدشت به داخل مخزن رفته بودند، دچار گازگرفتگی شدند و جان خود را از دست دادند. جان‌باختن این کارگران را به خانواده‌هایشان و به همه کارگران و مردم تسلیت می‌گوییم. مراکز کاری و به‌ویژه مراکز نفتی به دلیل ناامنی محیط کار قتلگاه کارگران است. طبق

شعارهای میدانی کارگری علیه اختلاسها و زدبیاها و

علیه تبعیض و نابرابری



۱- یک اختلاس کم بشه مشکل ما حل میشه

۲- حقوق‌های نجومی، فلاکت عمومی

۳- کشور ما دزدخونه است، توی جهان نمونه است.

۴- کشور پر در آمد، چه بر سر تو آمد

این شعارها را در همه جا میشود بازتکثیر کرد.



کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری ایران

تجمعات بازنشستگان مخابرات و تظاهرات چند هزارنفره مردمی در گناوه

امروز ۲۰ آذرماه بازنشستگان مخابرات همانند دوشنبه‌های هر هفته در اعتراض به فقر و گرانی و پاسخ نگرفتن خواست‌هایشان سطح سراسری دست به تجمعات اعتراضی زدند. بنا بر گزارشات تا کنونی این تجمعات در شهرهای چون تهران، اردبیل، همدان، شهرکرد، کرمان، مریوان، سنندج، رشت، زاهدان، خرم‌آباد، و اصفهان برگزار شده است.

در اردبیل بازنشستگان مقابل مخابرات تجمع کرده و شعار می‌دادند: "بازنشسته، داد بزن! حق تو فریاد بزن!"، "به جای یک مرد کاری نشسته یک نظمی". در کرمانشاه، ارومیه و تهران بازنشستگان تجمع و راهپیمایی داشتند و با فریاد شعارهایشان فضای پر شوری از اعتراض را شکل دادند.

دیگر شعارهای بازنشستگان در این روز عبارت بودند از: "تا حق خود نگیریم، از پا نمی‌نشینیم"، "اجرای آیین‌نامه حق مسلم ماست تهران"، "سلطانی دروغ‌گو حاصل وعده‌های تو"، و "حقوق ما ریالی، اختلاس‌ها دلاریه".

خالی شدن صندوق‌های بازنشستگی و به سرقت رفتن دارایی‌هایش توسط حکومتیان، خبری شدن دزدی بزرگ سه میلیارددلاری چای دیش و گم شدن ۱۷ هزار میلیارد تومان در شهرداری در همین هفته و نیز مفقود شدن هشت میلیون سکه از خزانه که از دوره ریاست رئیسی در قوه قضائیه پرونده آن تشکیل و تا امروز اقدامی در برابر آن نشده، و نمونه‌های متعدد دیگر از دزدی‌ها، بر خشم و نفرت بازنشستگان افزوده است. یک شعار محوری در تجمعاتشان شعار علیه اختلاس‌ها و دزدی‌ها است. در تجمعات این روز بازنشستگان شعار می‌دادند: "یک اختلاس کم بشه، مشکل ما حل میشه"، "شرکت پر درآمد چه بر سر تو آمد".

امروز ۲۰ آذر مردم بندر گناوه در صبحی چند هزارنفره دست به راهپیمایی و تجمع زدند. طی روزهای گذشته نیز این اعتراضات مردم بومی با تعطیلی کامل بازار و بدون پاسخگویی متولیان شهر، همچنان در جریان بوده است. این اعتراضات در اعتراض به مسئله سهمیه مرز نشینی صورت می‌گیرد که تخفیفی در عوارض گمرکی برای مرز نشینان است و دولت رئیسی آن را لغو کرده است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۰ آذر ۱۴۰۲، ۱۱ دسامبر ۲۰۲۳

بیست و هشتمین هفته اعتراضات سراسری بازنشستگان کشوری و اخباری دیگر "درد مشترک، فریاد مشترک می‌طلبد"

روز سه‌شنبه چهاردهم آذرماه بازنشستگان کشوری شامل معلمان و بخش‌های دیگر کارکنان بازنشسته در چندین شهر از جمله در سنندج، کرمانشاه، اهواز، اردبیل، قزوین و اراک تجمع کردند.

در تجمعات این روز بازنشستگان، شماری از معلمان شاغل و بازنشستگان تأمین اجتماعی نیز شرکت کرده و پیگیر مطالباتشان شدند. شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان طی بیانیه‌ای ضمن تأکید بر خواست‌های فوری معلمان شاغل و بازنشسته و حمایت از اعتراضات بازنشستگان خواستار حضور فعال همه معلمان شاغل و بازنشسته جهت تحقق خواسته‌هایشان در تجمعات اعتراضی این روز شد.

در سنندج بازنشستگان کشوری همراه با شماری از معلمان بازنشسته مقابل صندوق بازنشستگی تجمع داشتند و شعار می‌دادند: "چای دیش عالی، سفره ما خالی!"، "یک اختلاس کم بشه مشکل ما حل میشه".

در کرمانشاه بازنشستگان کشوری با همراهی بازنشستگان تأمین اجتماعی تجمع داشتند و بنری با نوشته "درد مشترک، فریاد مشترک می‌طلبد، لشکری، کشوری، تأمین اجتماعی، مخابرات، علوم پزشکی، نفت، فولاد، اتحاد اتحاد" قابل توجه بود. فراخوان این بنر به اتحاد مبارزاتی جمعیت میلیونی بازنشستگان است. بازنشستگان شعار می‌دادند: "بازنشسته به پا خیز برای رفع تبعیض"، "بازنشسته بیدار است از تبعیض بیزار است"، و "فقط کف خیابان به دست میاد حق ما".

در اهواز یکی از زنان بازنشسته طی سخنرانی پر شوری بر مبارزه متحد همه بازنشستگان و شاغلین تأکید گذاشت و سخنانش مورد استقبال همه معترضین قرار گرفت. یکی دیگر از بازنشستگان از اینکه اکثر مردم از این وضعیت ناراضی هستند صحبت کرد و بعد جمعیت شعار داد: "درد ما درد شماست، مردم به ما ملحق شوید". در این تجمع از بازنشستگان تأمین اجتماعی نیز شرکت داشتند. بنرهای این تجمع با نوشته‌های "شاغل و بازنشسته اتحاد، اتحاد"، "لشکری کشوری، تأمین اجتماعی اتحاد اتحاد"، "درمان رایگان"، "معلم زندانی آزاد باید گردد" و در دفاع از فرزانه زیلابی وکیل محبوب کارگران که حکم زندان دارد و دیگر مطالبات بازنشستگان قابل توجه بود.

گفتنی است که بنا بر گزارشات تکمیلی در روز گذشته ۲۰ آذر بازنشستگان مخابرات در بیست شهر بندرعباس، اراک، تبریز، زنجان، دزفول، بیجار، بروجرد، ساری، تهران، اردبیل، همدان، شهرکرد، کرمان، مریوان، سنندج، رشت، زاهدان، خرم‌آباد، رشت و اصفهان تجمع داشتند. در این روز همچنین کارگران فضای سبز در فاز دوم شهر پرنده و پتروپالایش کنگان استان بوشهر در اعتراض به تعویق پرداخت دستمزدهایشان دست به تجمع و اعتصاب زدند. کارگران پتروپالایش کنگان از مهرماه تا کنون مزدی دریافت نکرده‌اند.

اعتراضات کارگری در سطح جامعه گسترده است و هم اکنون بخش‌های مختلف بازنشستگان در اعتراض‌اند. اجرای همسان‌سازی حقوقها و افزایش سطح آن به بالای خط فقر سی میلیونی، درمان رایگان، پایان دادن به اختلاس‌ها و دزدی‌ها، پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات خواست‌های سراسری و مشترکی است که این اعتراضات را به هم پیوند می‌دهد. اعتراضات بازنشستگان علیه فقر و بی‌تامینی صدای اعتراض کل جامعه است. "اتحاد اتحاد علیه فقر و فساد"، "درد ما درد شماست مردم به ما ملحق شوید" فراخوان بازنشستگان به همه مردم به اعتراض سراسری است. از خواست‌ها و اعتراضات بازنشستگان وسیعاً حمایت کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۱ آذر ۱۴۰۲، ۱۲ دسامبر ۲۰۲۳

۴ شعار کلیدی میدانی در اعتراضات بازنشستگان:



۱- اتحاد، اتحاد، علیه فقر و فساد

۲- شاغل و بازنشسته اتحاد، اتحاد

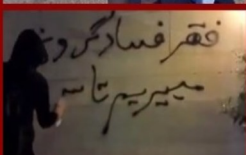
۳- لشکری، کشوری، فولادی، تأمین اجتماعی، اتحاد، اتحاد



خطاب این شعارها به همه مردم است در پیوند عمیق با شعار "فقر، فساد، گرانی، میریم تا سرنگونی" که در انقلاب زن، زندگی، آزادی سر داده شد.

بازنشستگان با این شعارها پرچم اتحاد کارگری در سطح جامعه را بدست گرفته‌اند.

این شعارها را در همه جا تکرار کنیم، بر در و دیوار بنویسیم و در تجمعات اعتراضی یا صدای رسا فریاد بزنیم.



کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری

اعتراضات در بندر گناوه و دو خبر از احضارها و دستگیری معلمان

اخبار نفت: شماره ۴۳

ادامه اعتراضات کارگران رسمی شرکت نفت و گاز آغاچاری

کارگران رسمی نفت به اعتراضات خود در مناطق مختلف ادامه می‌دهند. امروز چهارشنبه ۲۲ آذر کارگران رسمی شرکت نفت و گاز آغاچاری بار دیگر دست به تجمع زدند و با دست‌نوشته‌های اعتراضی‌شان بر سر خواست‌های مطالباتی خود صدای اعتراض خود را بلند کردند.

اعتراض کارگران رسمی نفت به سقف پایین حقوقها و کاهش سطح دریافتی‌هایشان، مالیات‌های سنگین، محدودیت ۳۰ ساله سنوات بازنشستگی و کسورات بازنشستگی‌شان و نیز دست‌اندازی به صندوق بازنشستگی و اختلاس‌ها و دزدی‌هاست. بدین ترتیب هزاران کارگر رسمی که نقش تعیین‌کننده‌ای در نفت دارند کانون داغ اعتراضی در مراکز نفتی را رقم زده‌اند. اهم مطالبات این کارگران عبارت‌اند از: حذف سقف حقوق، اصلاح کف حقوق، حذف محدودیت پرداخت حق سنوات بازنشستگی، اجرای کامل ماده ۱۰ و پرداخت معوقات آن، عودت کسورات مازاد مالیات و عدم دست‌اندازی به صندوق بازنشستگی نفت و پایان دادن به چپاولگری‌ها.

شرکت بهره‌وری نفت و گاز آغاچاری که اعتراضاتشان هر روزه است، با تولید روزانه ۶۱۵ هزار بشکه نفت خام، سومین تولیدکننده نفت در زیرمجموعه‌های مناطق نفت‌خیز جنوب است.

از خواست‌ها و اعتراضات کارگران نفتن فعالانه حمایت کنیم و صدایشان را بازتاب دهیم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۲ آذر ۱۴۰۲، ۱۳ دسامبر ۲۰۲۳

اختلاس ۷/۳ میلیارد دلاری در فسادخانه اسلامی

افشای دزدی ۳ و ۷ میلیارد دلاری واردات چای بار دیگر حکومت چپاولگر اسلامی و مقامات و ارگان‌های فاسدش را مقابل چشم جامعه گذاشت. شرکت چهارده‌معصوم، شرکت چای دیش و اتحادیه چای ایران که مالکان و مدیران آنها روابط نزدیکی با مقامات حکومت دارند، اداره گمرک، چند وزیر و معاون وزیر دولت رئیسی و ده‌ها مدیر ارشد حکومتی، مستقیماً در این دزدی چندمیلیارد دلاری نقش داشته‌اند. ابعاد این پرونده چنان همه‌جانبه و تعداد مقامات حکومتی و مدیران دولتی شریک در این دزدی چنان گسترده است که حکومت جرئت نکرده است تاکنون اسامی متهمین این پرونده را علنی کند. چای تاریخ مصرف گذشته و مسموم، در کنار گرانی و فقر و محرومیت، سهم اکثریت عظیم مردم از این پرونده است.

رئیس‌ی این پرونده را به دولت قبلی نسبت داده است؛ اما رئیس ستاد هماهنگی مبارزه با مفاسد اقتصادی حکومت می‌گوید این دزدی‌ها از دوره روحانی شروع شده و در دوره رئیسی سرعت گرفته است. رئیس‌ی برای مبرا کردن خود ادعا کرده است که این دولت بوده که این پرونده را پیگیری کرده و متخلفان را برکنار و به قوه قضائیه سپرده است؛ ولی اژدهای رئیس قوه قضائیه بلافاصله آن را تکذیب کرده و می‌گوید هیچ مدیر دولتی به ما معرفی نشده است. اما مردم همه سازندگان این جهنم اسلامی را به‌خوبی می‌شناسند.

اسناد افشا شده توسط نهادهای خود حکومت نشان می‌دهد که دزدی‌های میلیارد دلاری و گسترده و سیستماتیک توسط ارگان‌های

روز ۲۱ آذر اعتراضات در گناوه وارد بیست و دومین روز خود شد و بازار و مغازه‌ها به طور کامل وارد اعتصاب شدند. روز گذشته چندین هزار نفر در اعتراض به طرح موسوم به ساماندهی تجارت مرزی دست به تظاهرات و راهپیمایی زدند و خشم خود را از محدود کردن حق ویژه مردم مناطق مرزی ابراز کردند. بر اساس این طرح حق ویژه خرید و فروش و وارد کردن کالا که کمکی به معیشت مردم فقیر این مناطق است بسیار محدود می‌شود. در این تجمعات بزنی با نوشته " سهمیه مرزنشینی حق ماست. از حق بچه‌هایمان نمی‌گذریم" توجه‌ها را به خود جلب می‌کند.

- بنا به گزارشات سیامک صادقی چهارزی از معلمان معترض بازنشسته در اهواز برای روز ۲۷ آذر ماه به دادگاه احضار شده است. او قرار است با اتهاماتی چون "نشر اکاذیب، فعالیت تبلیغی علیه نظام، اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم بر ضد امنیت داخلی و خارجی و عضویت در گروه‌هایی غیرقانونی" مورد محاکمه قرار گیرد. همچنین روز ۲۰ آذر روح‌الله گره‌گشا، از معلمان بازنشسته در ممسنی که پیش‌تر حکم جلب سیار گرفته بود، در روز ۱۴ آذر بعد از تجمع بازنشستگان در منزلش توسط مأموران پلیس امنیت دستگیر و به زندان شیراسپاری شهر نورآباد ممسنی منتقل شد. یک کارزار مهم معلمان اعتراض علیه امنیتی کردن مبارزات با خواست مشخص پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات و بسته شدن پرونده‌های امنیتی و آزادی فوری و بدون قید و شرط تمام معلمان زندانی است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۱ آذر ۱۴۰۲، ۱۲ دسامبر ۲۰۲۳

اخبار نفت: شماره ۴۲

ادامه اعتراضات کارگران رسمی عملیاتی سکوی نفتی بهرگانسر

روز ۲۱ آذر کارگران رسمی عملیاتی سکوی نفتی بهرگانسر در شرکت فلات قاره در ادامه اعتراضات خود به تعرضات معیشتی حکومت از جمله تعیین سقف حقوق و دست‌اندازی به صندوق بازنشستگی و عدم پاسخگویی به مطالباتشان با در دست گرفتن نوشته‌هایی با مضمون خواست‌هایشان تجمع کردند. حذف سقف حقوق، اصلاح کف حقوق، حذف محدودیت پرداخت حق سنوات بازنشستگی، اجرای کامل ماده ۱۰ و پرداخت معوقات آن، عودت کسورات مازاد مالیات و عدم دست‌اندازی به صندوق بازنشستگی نفت و پایان دادن به چپاولگری‌ها، خواست‌های سراسری کارگران رسمی در نفت است. از خواست‌ها و اعتراضات کارگران نفتن فعالانه حمایت کنیم و صدایشان را بازتاب دهیم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۲ آذر ۱۴۰۲، ۱۳ دسامبر ۲۰۲۳

کارگر زندانی آزاد باید گردد

جای جمهوری اسلامی در مجمع جهانی پناهندگان نیست!

مجمع جهانی پناهندگان که از ۱۳ تا ۱۵ دسامبر در ژنو برگزار می‌شود، میزبان یکی از عناصر تروریستی حکومت اسلامی، امیر عبداللهمیان وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی است. قرار بود به دعوت این مجمع ابراهیم رئیسی، از اعضای مؤثر هیئت مرگ در دهه ۶۰ شرکت کند. اما با ثبت شکایت سه نفر از جان بدر بردگان هولوکاست اسلامی و قتل عام زندانیان سیاسی و تقاضای دستگیری او، رئیسی از ترس دستگیری، جرئت نکرد به اروپا قدم بگذارد و با سرافکنندگی وزیر امور خارجه را به این مجمع فرستاد.

اما امیر عبداللهمیان نیز وزیر دستگاه تروریستی دیپلماتیک کشوری است که حرفه اصلی آن آدمکشی. در داخل و ترور در خارج و حمایت از دستجات تروریست اسلامی در منطقه است. دیپلمات - تروریست‌های آن به جرم بمب‌گذاری و ترور مخالفین در خارج کشور توسط پلیس کشورهای اروپایی دستگیر و در محاکم رسمی قضایی به جرم جنایت به حبس‌های سنگین محکوم شده‌اند.

نفس دعوت از سران جمهوری اسلامی توسط نهادهای بین‌المللی به هر عنوان و هر بهانه‌ای شدیداً محکوم است. تا جایی که به مسئله پناهندگی مربوط می‌شود نیز جمهوری اسلامی از یک‌طرف بانی فرار و آوارگی میلیون‌ها نفر از شهروندان ایرانی است و از طرف دیگر با زیر پا گذاشتن قوانین و مصوبات کنوانسیون‌های پناهندگی یکی از خشن‌ترین، ضد بشری‌ترین و نژادپرستانه‌ترین رفتارها را با مهاجرین و پناهندگان افغانستانی در ایران دارد موضوعی که به قدر کافی روشن و شناخته شده است.

کمیساریای عالی پناهندگی سازمان ملل «UNHCR» با دعوت از حکومت‌هایی مانند جمهوری اسلامی، مشروعیتی برای خود باقی نمی‌گذارد. اگر این نهاد ربطی به حقوقی پناهندگی داشت حکومت فاشیست اسلامی را به عضویت خود نمی‌پذیرفت. این موضوع با طوماری با امضا ۲۰۰ نفر از شخصیت‌های سیاسی بین‌المللی به سازمان ملل گوشزد گردید.

کمیته خارج کشور حزب کمونیست کارگری حضور سران جنایت‌کار جمهوری اسلامی را در هر مجمع و نهاد بین‌المللی اکیداً محکوم می‌کند و خواستار بایکوت حکومت اسلامی است. سران جمهوری اسلامی باید به جرم جنایات سیستماتیک علیه بشریت دستگیر و در محاکم بین‌المللی محاکمه شوند.

کمیته خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران

۱۴ دسامبر ۲۰۲۳

درباره اهدای جایزه حقوق بشری پارلمان اروپا

به مهسا امینی

روز سه‌شنبه ۲۱ آذر در شهر استراسبورگ (فرانسه) جایزه آزادی بیان پارلمان اروپا (جایزه ساخاروف) به مهسا امینی، حدیث نجفی و مرسده شاهین‌کار از آسیب‌دیدگان انقلاب زن زندگی آزادی اهدا شد. مرگان افتخاری، امجد امینی و همچنین اشکان امینی برادر مهسا قرار بود در این مراسم شرکت کنند؛ اما جمهوری اسلامی جلو خروج آنها را گرفت و صالح نیک‌بخت به نمایندگی از این خانواده جایزه را دریافت کرد و پیام مرگان افتخاری مادر مهسا را قرائت کرد.

صالح نیک‌بخت در بخشی از پیام خود گفت: «ژینا تجلی زندگانی و زندگی است. نام او رمز آزادی شد و رؤیای آزادی از محل تولدش یعنی کردستان تا خاورمیانه و سراسر جهان گسترده شد.» مادر مهسا امینی در

مختلف حکومتی، از جمله و مشخصاً سپاه پاسداران، مقامات دولتی و آیت‌الله‌های دانه‌درشت حکومت از ده‌ها سال قبل شروع شده است و کلبه مقامات و ارگان‌های حکومت در دوره‌های مختلف و در رأس آنها خامنه‌ای مستقیماً عامل و مسئول این دستگاه دزدی و چپاول هستند. تنها در ده سال گذشته حجم دزدی و اختلاس طبق اعتراف رسانه‌ها و مقامات حکومتی ۹۴ میلیارد دلار بوده است. کمتر مقام و ارگان حکومتی، مدیران ارشد دولتی و یا نماینده مجلس دوره‌های مختلف را می‌توان اسم برد که سهمی در دزدی و چپاول و رانت‌خواری نداشته باشد. مفت‌خوران و سارقان حاکم حتی صندوق‌های باننشستگان را هم خالی کرده‌اند.

فساد در جمهوری اسلامی نهادینه و جزء لاینفک‌های کارکرد این نظام و مافیای اقتصادی حاکم است. جمهوری اسلامی بدون اختلاس و دزدی و رانت‌خواری و چپاول‌های نجومی آیت‌الله‌های میلیاردی وابستگانشان امرش نمی‌گذرد.

این نظامی است که در یک‌سریش دزدی‌ها و درآمدهای میلیاردی و حقوق‌های نجومی یک قشر انگل قرار دارد و یک سر دیگرش ده‌ها میلیون انسان به فقر و فلاکت کشیده شده. تکلیف این نظام دزدی و چپاول و مقامات و آیت‌الله‌های فاسدش را مردم با انقلابشان روشن خواهند کرد و تک‌تک مقامات و آیت‌الله‌های دزد و جنایت‌کار را به دادگاه خواهند کشاند و اموال مسروقه را از حلقومشان بیرون خواهند کشید.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۲ آذر ۱۴۰۲، ۱۳ دسامبر ۲۰۲۳

اخبار نفت: شماره ۴۵

ادامه اعتراضات کارگران

رسمی نفت در شرکت فلات قاره در لاوان

اعتراضات کارگران رسمی نفت همچنان ادامه دارد. روز ۲۴ آذر کارگران شرکت فلات قاره در لاوان در ادامه اعتراضاتشان علیه تعرضات معیشتی حکومت و بی‌پاسخ ماندن خواست‌هایشان دست به تجمع زدند و مطالباتشان را با نوشته‌هایی سردست بلند کردند.

جزیره لاوان یکی از جزایر استان هرمزگان در خلیج فارس و از توابع دهستان لاوان در بخش کیش شهرستان بندر لنگه است. باتوجه به دما و رطوبت بسیار بالای جزیره زندگی و کار در این جزیره بسیار سخت و طاقت‌فرسا است.

اعتراض کارگران رسمی نفت به سقف پایین حقوقها و کاهش سطح دریافتی‌هایشان، مالیات‌های سنگین، محدودیت ۳۰ ساله سنوات باننشستگی و کسورات باننشستگی‌شان و نیز دست‌اندازی به صندوق باننشستگی و اختلاس‌ها و دزدی‌هاست.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۴ آذر ۱۴۰۲، ۱۵ دسامبر ۲۰۲۳

کارگران جهان

متحد شوید

محرومیت‌های اقتصادی که جمهوری اسلامی حاکم کرده است، دلیل اصلی این فجایع است. سمیرا نه اولین نفر است و نه آخرین نفر.

کمیته بین‌المللی علیه اعدام خواهان لغو فوری حکم اعدام سمیرا سبزیان است. توقف موقت حکم اعدام وی فرصتی است که همه متحدانه برای نجات وی به میدان بیاوریم. سمیرا نباید اعدام شود. مجازات اعدام شنیع و ضدانسانی است و باید برچیده شود. همه قوانین ضدانسانی جمهوری اسلامی نظیر قصاص باید ملغی شوند.

کمیته بین‌المللی علیه اعدام
۲۲ آذر ۱۴۰۲ - ۱۳ دسامبر ۲۰۲۳

از زندگی آزادی یعنی به گور سپردن حکومت و سلطه مذهبی و قطع دست مذهب و نهادهای مذهبی از

زندگی مردم!



حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party of Iran

کارگر با کار فود ارزش اضافه تولید می‌کند و این ارزش اضافه نه فقط سرمایه را رشد می‌دهد، بلکه بخشی از آن به اجاره و بهره زمین و بهره بانکی و مالیات و در آمد واسطه‌ها و دلالت بی‌شمار اقتصاد می‌یابد. حقیقت این است که همین ارزش اضافه ایجاد شده توسط کارگر است که هزینه دولت، ادارات، ارتش و نیروی سرکوب و زندان و کل درآمد اجتماعی را تأمین می‌کند. هرچه کارگر بهتر کار کند دشمنانش ثروتمندتر و قوی‌تر می‌شوند.

(کاظم نیکفوا - سرمایه داری را بشناسیم)

این پیام با تأکید بر این که «داغ زینا برای من ابدی است و برای همه مردمان جهان جاودان» ابراز اطمینان کرد که «نام او همراه نام ژاندارک، نماد آزادی خواهد ماند.»

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری اهدای این جایزه به زینا/مهسا امینی را به مردم ایران و به خانواده مهسا صمیمانه تبریک می‌گوید.

جایزه صلح نوبل به نرگس محمدی و جایزه آزادی بیان پارلمان اروپا به مهسا امینی، به‌عنوان بزرگداشت جنبش پرشکوه زن زندگی آزادی و مبارزات مردم به‌ویژه زنان ایران برای به زیر کشیدن جمهوری اسلامی ثبت خواهد شد.

برگزاری دو مراسم و اهدای این جوایز در دو روز متوالی ۲۰ و ۲۱ آذر ۱۴۰۲ یکبار دیگر سرها را به‌طرف مبارزات مردم ایران، وضعیت زندانیان سیاسی در ایران و انقلاب زن زندگی آزادی چرخاند. هزاران نفر در اسلو و استراسبورگ حمایت خود را از انقلاب مردم ایران اعلام داشتند. اهدای این جایزه‌ها تحول مهمی در تقویت انقلاب در ایران بود.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران
۲۱ آذر ۱۴۰۲

اجرای حکم اعدام سمیرا سبزیان به طور موقت متوقف شد!

قرار بود که صبح روز چهارشنبه ۲۲ آذر سمیرا سبزیان که متهم به قتل همسر خود در ده سال قبل شده بود، در زندان فرچک ورامین اعدام



شود. وی را برای اجرای حکم به سلول انفرادی منتقل کرده بودند. اکنون خبر رسیده است که سمیرا سبزیان مجدداً به بند بازگردانده شده است و اجرای حکم اعدام وی که از شوک اعدام شدنش تکلم و قدرت رادرفتن را از دست داده است، موقتاً متوقف شده است.

سمیرا سبزیان در ۱۵ سالگی مجبور به ازدواج شده و مادر دو فرزند است. حاکمان جنایت‌کار او را حتی از دیدن فرزندانش در طول ده سال زندانی او محروم کردند و تنها زمانی که وی را به سلول انفرادی بردند امکان یافت فرزندانش خود را ملاقات کنند. او قربانی کودک‌همسری و یکی از قربانیان نظام آپارتاید جنسیتی است که مجبور به ازدواج در سنین کودکی شد. وی متهم است که ده سال پیش درحالی که دو فرزند داشت به‌اتفاق خواهر ۴ ساله و فرد دیگری همسر خود را به قتل رسانده است. طبق قوانین قصاص اسلامی، حکومت خانواده مقتول را هم شریک جرم کرده است. خانواده مقتول به او قول داده بودند در صورتی که وی ادعایی برای حضانت بچه‌ها نداشته باشد وی را خواهند بخشید.

سمیرا قربانی کودک‌همسری شد، همسرش قربانی همین قوانین ارتجاعی شد، کودکان آنها قربانی این فاجعه شدند. عامل مستقیم همه این فجایع حکومت اسلامی است. قوانین ظالمانه کودک‌همسری، آپارتاید جنسیتی، فرهنگ ضد زن اسلامی، ممنوعیت نهادهای مدافع حقوق زن و کودک و هر نهاد پیشرو دیگر و ترویج فرهنگ عقب‌مانده اسلامی، به‌موازات فقر و



انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: میلاد رابعی

ادیتور: کاظم نیکخواه

مسئول فنی: سروناز سینایی

anternasional@yahoo.com

milad.rabei@gmail.com

kazem.nikchah@gmail.com

انترناسیونال هر هفته شنبه‌ها منتشر می‌شود

فیسبوک: www.facebook.com/wpiarn

اینستاگرام: www.instagram.com/wpi91

تلگرام: [telegram.me/wpi_hkki](https://t.me/wpi_hkki)

وبسایت: www.wpiran.org

ماهواره پاه ست

فرکانس، ۱۱۷۶۶

پولاریزاسیون، عمودی

سیمبل ریت، ۲۷۵۰۰

اف ای سی، ۷/۸

ماهواره یوتلست

فرکانس، ۱۱۳۸۷

پولاریزاسیون، عمودی

سیمبل ریت، ۲۷۵۰۰

اف ای سی، ۵/۶

KANAL JADID
کانال جدید

پخش زنده آنلاین:

پخش زنده

newchannel.tv/live/tv

فرکانس های

تلویزیون کانال جدید

در ماهواره های:

www.newchannel.tv
nctv.tamas@gmail.com